

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار

دوشنبه ۲ مهرماه ۱۳۵۸ بهای: ۲۰ ریال

- گزارشی از زاغه‌نشینان شهر مشهد صفحه ۳
- فجایع بر علیه خلق کرد در پرده نمی ماند صفحه ۶
- اخبار شهرستانها صفحه ۷
- در هفته‌ای که گذشت صفحه آخر

## ولایت فقیه گشادترین کلاهی که بسرمردم ایران می‌رود!

● استبدادی وحشتناک در قالب دین و با استکاء به توهماتى که بیمن توده‌های ناآگاه دامن می‌زنند در راه تحکیم است . استبدادی کماکان در خدمت بورژوازی و در جهت سرکوب خلقها بسفح امپریالیسم .

فرشها دیکتاتوری و فساد زمامداران  
جنایتکار ، غیرقابل تحمل شدن سیاستهای  
امپریالیستی در ایران ، بجان آمدن زحمت -  
کشان کشور ما از استثمار و خونخواری  
سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ ،  
بقیه در صفحه ۲

## اخباری از کردستان خلق کرد تسلیم ناپذیر است

- خبر رسیده که روحیه مردم کردستان بسیار خوب است و روزی نیست که تظاهرات ضد دولتی انجام نگیرد .

هم اکنون مبارزات مردم بمحورت چریکی جریان دارد و حملات شبانه‌زبانی با این شیوه علیه پاسداران و ارتشی‌ها انجام می‌گیرد . مثلا در حمله شبانه به پشم‌رگان (۵۸/۴/۲۲) به پاسداران در بوکان پنج تن از پاسداران کشته شده‌اند .

بقیه در صفحه ۵



## بمناسبت نهمین سالگرد سپتامبر سیاه: فاجعه و تجربه‌ای بزرگ

۹ سال از کشتار خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۰ ( شهریور ۱۳۴۹ ) در اردن می‌گذرد . امپریالیسم آمریکا و ارتجاع دست نشانده عرب می‌خواستند با این جنایت سهمگین ، توطئه نابودی انقلاب فلسطین را پیاده کنند .  
بقیه در صفحه ۱۲

## ارتش و تصفیه ضد انقلابی در آن!

- ارتش خلق با زوری مسلح توده‌های زحمتکش برای سرکوب ارتجاع و امپریالیسم است .  
" جنگ " آخرین و نهائی ترین وسیله - ایست که طبقات متخاصم برای حل مسئله قدرت بدان دست می‌زنند . " لنین " می‌گوید:  
" مسائل عظیم زندگی ملت‌ها فقط با نیروی خلق می‌شود . طبقات مترجم خود - شان قبل از همه معمولاً متوسل به دولت " .  
بقیه در صفحه ۴

.. " دولت " ، ماشین سرکوب طبقاتی است ، که وظیفه اش حفظ منافع طبقات حاکم است .  
- ماشین " دولت " موسسات متعددی چون ارتش ، پلیس ، دادگاهها و ... را در بر می‌گیرد .  
- " دولت " سرمایه‌دار حامی منافع سرمایه - داران استثمارگر و " دولت " زحمتکشان پاسدار منافع اکثریت خلق است .  
- ارتش ، پلیس و دادگاههای دولت سرمایه - دار ابزار سرکوب خونین خلق است .

## جنبش کارگری

- اعتصاب در شرکت " فاسترویلر - تهران جنوب "
  - گزارشی از تحصن کارگران غیر رسمی " هوایمی ملی ایران "
  - کارگران " سد ایران " مبارزات خود را بی‌گیری می‌کنند
  - کارگران مبارز صنایع فولاد تا تحقق کامل خواسته‌هایشان به مبارزه ادامه می‌دهند
- در صفحه ۹

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

**ولایت فقیه گشا درترین کلامی ...**

بحران شدید اقتصادی سیاسی و اجتماعی ، سرکوب جنبش های مترقیانه و محروم پسودن بی حساب خلقهای ما از آزادی و عدالت اجتماعی ، سرانجام جامعه ما را به انقلاب گشاند . انقلابی که خواستار واژگونی هر گونه بنیاد ستم طبقاتی و ملی بود . انقلابی که می خواست سرنوشتی همانند انقلاب شکست خورده مشروطیت ، جنبش مترقیانه جنگل ، جنبش ملی شدن صنعت نفت و ... نداشته باشد و برای راه را بسوی آینده های روشن و خالی از هرگونه ظلم و تبعیض و دیکتاتوری و وابستگی و استعمار بگشاید . همه افشار زحمتکش ، همه کسانی که نفسی در آن نظام فاسد مردمی و سراسیمه نداشتند در این انقلاب شرکت و فعالیت و جانبازی نمودند یعنی از روحانیت هم با انگیزه های عدلطلبی و عدالتجویانه و کوبیدن مهر خود بر انقلاب وارد میدان شد و با توجه به امکانات نسبی بیشتری که برای تماس با مردم در شرایط خلفان داشت و نیز با توجه به توهمی که مردم بدلیل عقب ماندگی تاریخی خود نسبت به این قشر و فرهنگ آن داشتند روز بروز نقش بارزتری را در این جنبش پیدا کرد . همتاوشی آنان با مردم و خواسته های حق طلبانه توده ها آنانرا به همراه لیبرالها و بخصوص لیبرالهای مذهبی سوار بر موج کرد یعنی که امر برخواستن نیز مشتبه گشت و آنها پنداشتند که گویا مردم در نتیجه دم مسیحا می ایشان به حرکت درآمده اند ! درحالیکه بطور مثال روحانیت نه در جنبش انقلابی که در سال ۲۹ قمری نقش داشت و نه در جنبش توده های خارج از محدوده ، جنبشی که سرآغاز انقلاب را نویی می داد . با این پندارهای واهی است که آنها فکر می کنند که میتوانند تا ابد بهرکجا که بخواهند مردم را ببرند .

اما وعده هایی که آنها در طول مبارزات ضد امپریالیستی - تسلطی به مردم می دادند چه بود ؟

آیت الله خمینی چه در نجف و چه در پاریس و نیز دیگر رهبران مذهبی وعده های بسیار درباره قطع کامل سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی آمریکا دادند ، آنها تعهد می کردند که آزادی و دموکراسی را در حکومت اسلامی تأمین و تضمین خواهند کرد ، از اینکه مردم خود باید درباره سرنوشته خویش تصمیم بگیرند ، سخنان میگفتند . از برچسبیدن بساط ظلم ، از بیرون ریختن همه جناحگان و غارتگران از طرف ملت و ادارات حکومتی ، از اقتصاد ، صنعت و کثرت و کثرت و ملی ، از آفاق ظلم و بیگانگی و اجتماعات ، حتی از منسوخیت ما نسودر برابر دیپلماتیک ، حرفها زدند . اما هنوز چند ماه نگذشته است که آن وعده های همراه با مدقلم و کله ، همچنانکه از قبل روشن بود ، فراموش شده و درست برخلاف آنها عمل می شود و استبدادی و خشتناک در قالب دین و با آنکا ، به توهما می که بین توده های نا آگاهه من می زنند ، هر راه تحکیم است . استبدادی کماکان در غم نیست

بورژوازی و در جهت سرکوب خلقها و بیفخ امپریالیسم . برای این ادعای ما دیگر لازم به آوردن سند نیست چرا که آن وعده ها بیشترین و این خلف وعده ها پیش چشم گوش همه توده های آگاه معیان است .

ایشان در شرایط موجود ، چگونه میتوانند به اسب سرکش انقلاب توده ها لگام زینند و آنرا به عقب بکشند ، چگونه میتوانند از حکومت خود سلامی - هر چند موقت اما غوغین - علیه کمونیست ها بسازند . کمونیستها می که امپریالیسم باز

**● اصل "ولایت فقیه" با حاکمیت خلق و آراء عمومی تفاو آشکار دارد .**

**● اصل "ولایت فقیه" کاملاً اسلامی است و اسلام یعنی همین . لا غیر !**

**● فقیه جامع الشرائطی مانند آیت الله مرعشی نجفی که حق "ولایت" ( حاکمیت بی چون و چرا ) بر سرنوشته مردم ما دارد صریحاً استنما راجعاً بیز می داند ، برای مالکیت حدودی قائل نیست و آزادی "عقیده" را هم بحکم قانون شرعی جرم می شمارد . ( والبته دیگران هم حق فصولی ندارند ! )**

به تجربه ، خویش در یافته است که تنها - آری تنها - دشمنان آشتی نا پذیرش هستند . روحا نبون به حکومت رسیده ، سر مست از قدسی که در طول تاریخ ، کمترین خواب هم میدیده اند ، میگویند با سرهم بندی یک "قانون اساسی" این قدرت با او آورده ، خود را جاسودانه و "الی الابد" کنند ، آنها با تکیه بر توهسات و جاهلتهائی که خود یکی از مسببین آن هستند ، امروز "ولایت فقیه" را که نقطه پایان بر هر گونه تصور "حق مردم در تعیین سرنوشته" را می گذارد ، بعنوان قانون به مردم ما حقیقت می کنند . مشروعیت طلبان مروجی که براریکه قدرت تکیه زده اند ، چنین ادعا میکنند که مردم ایران از سال ۱۳۵۰ به بعد کتاب "حکومت اسلامی" با ولایت فقیه " نوشته آیت الله خمینی را در دست ها شدند و مردم مبارز ما لاهت با قبول این اصل بدادند مبارزه میکنند ( نقل بمعنی از سرفقاله " روزنامه " جمهوری اسلامی " شهر یون در صورتیکه حمایت و اعتماد مردم به آیت الله خمینی در مجموع و بطور عمده با طرموضت مگیری سرسختانه ، اولعیه سلطنت بود و هرگز توده های مردم صوری از حاکمیت بی چون و چرا و فقیه و آخوند نداشتند . پای استدلال انصار طلبان آنقدر چوبین است که در روز فردا دوم گذاشتی ستایی صبر انگیز رأی مثبت به جمهوری اسلامی تعریف نشده و تا شناخته را ملازم با مسلمان بودن فرد گرفتند و بدین وسیله آنرا حقت کردند و حالاهم بر اساس همان رفتار دوم ولایت فقیه را حقت میکنند . اینها توده ها را چنان احق می پندارند که استدلالشان بطور غلامه اینست : اگر مسلمانان ، باید جمهوری اسلامی را قبول کنی و حالاه که قبول کردی باید ولایت فقیه را بپذیری . همین مملکت در روحانیت مشروعیت طلب ، استبدادیشان روشن بین مذهبی را چنان نگران کرده است که فریاد میزنند " این افول اسلام است " ( مهندس حساسی در سخنرانی ۲۵ شهریور در یادبود طالقانی ) با دکتر پیمان که این اصل را برای مکتوب (ایدئولوژی اسلامی) زیانبار می بیند . (نقل بمعنی از سخنرانی در همانجا ) .

در نظراتی که در دوران انقلاب صورت میگرفت ، یکی از شعارهای مرسوم ، شعار " استقلال آزادی ، جمهوری اسلامی" بود . اما مسامدان فعلی عمدتاً فراموش میکنند که حتی در این شمار که مستمک آنها برای طغنه کردن هرگز پیش عقب مانده ای است ، مردم قبل از ذکر اسلام استقلال و آزادی و جمهوری را فریاد میکردند و از اسلام هم هرگز چیزی در ردیف " مشروعیت " شیخ فضل الله نوری را - آنطور که امروز می بینند - منظور نداشتند . مردم بر طبق همان وعده ها که ذکر شد و بر طبق تصور برداشتی که از حکومت و عدل علی و ... بوسیله کسانی مانند طالقانی و شریعتی و ... عرضه شده بود از اسلام تصورات و تخیلات دیگری در ذهن داشتند . هنوز شمارهای که مردم با چنین تصویری در دوران انقلاب بر دیوارها از قول شریعتی نوشته اند به چشم می خورد که : " حکومت اسلامی آینده حکومت ملاحه نخواهد بود . " مردم بارها از رهبران روحانی می شنیدند که " منظور ما حکومت کردن نیست ، ما هنوز چند ماهی بیش نگذشته است که روحا نبون نه تنها شورای انقلاب و وزارتخانه ها و مجلس قانون گذاری را در دست خود قبضه کرده اند ، بلکه فرماندهی کل قوا را نیز بدست می کنند . و بدین ترتیب بمنوان هدستان بورژوازی همه جا دیده می شوند ، آنها تنها اموردادگا هیا ، فرماندارها ، استاندارها و بخشها را بر نظیر دارند بلکه مدارس و دانشگاهها را نیز بنا به سلیقه خود می گردانند و آنچه برای آنها مهم است اعمال فرهنگ و روپنهائی خاص خود در این زمینه ها می باشد . امروز نفسی داشتن عمامه و عبا نردبان شرقی است و موجب برخواستن ری از بسیاری امتیازات و زاداگا و ویژه ، معممین بگیر تا حق اعمال نفوذ در کلیه شئون زندگی مردم و دخالتی که از فرط عقب ماندگی نه تنها مفک بلکه بسیار از اینها را است . در بهمین ماه گذشته ، امپریالیسم جهانی که در سرکوب جنبش های رهاشی بخش دارای تجربه های فراوان است سرانجام با وساطت و دلالی بورژوازی لیبرال را از سازش با روحا نبون و باز کردن راه برای آنان به جهت غریب بسوی قدرت و برگرزید زیرا خوب می دانست و می داند که

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۲

ولایت فقیه گشا دترهین کلاه  
که به سر مردم ایران می رود.

اصل ولایت فقیه با عبارت دیگر حاکمیت بی چون و چرای روحانیت، چه خطراتی را برای سرنوشت مردم ما به همراه دارد؟ از این اصل چنان بوی مسمنکنندگی استشاد برمی خیزد که تعداد قابل توجهی از کسانی که دینی از نزدیک برآتش داشتند و شاهد پختن چنین آشی در مجلس با صلاح خبرگان بودند، نیز برآشفتند. ظالمانی ناراحت از این وضع علیرغم همه وابستگیهایش با نظام موجود، فریاد اعتراض علیه "استبداد، زیر پرده" دین" را بلند کرده و عده ای دیگر هر چند محافظه کارانه، حاضر نشدند زبیر این اصل و برخی اصول دیگر امضا بگذارند و از مجلس نیت کردند که آیت الله خمینی ناگذیرند با استفاده از حربه هیئتکسی اش (چماق تکفیر)، کنارت کشیدن از مجلس خبرگان را مرادف کنارت کشیدن از اسلام بدانند (کیهان ۲۹ شهریور) اینهمه نگرانی برخی شخصتهای مذهبی روشن بین درباره سرنوشت قانون اساسی از کجاست؟ کسانی مانند آیت الله سید رضا زنجانی (روزنامه "خلق مسلمان شماره ۶)، مهندس صاحبی (در سخنرانی مجلس ترجمه آیت الله ظالمانی ۲۵ شهریور) و آقایی که این اشخاص نمایندگی آنها را دارند از چه ناراحتند؟ تعویب ولایت فقیه حتی سروصدا ایستاد را نیز درآورده است. اینها که اصل ولایت فقیه را تنها در حد نظارت فقه بر اجرای قانون (تقریباً در همان حدی که در قانون اساسی مشروطیت پیش بینی شده بود) قبول دارند، نمی توانند محتوای شدیداً انحصار طلبانه و اسپرگراانه این قانون را نادیده بگیرند. اینها میدانند که گویا میتوان هم ولایت فقیه را قبول کرد و همه چیز بنام آراء عمومی و شور و مشورت بود. در پاسخ این اشخاص باید اشاره کرد که اصل ولایت فقیه بدرستی همان است که آیت الله خمینی آنرا آشوربزه کرده و دقیقاً به معنی حاکمیت بی چون و چرای روحانیت است و در آن هیچ جایی برای آراء عمومی نیست. در اینها نیز هیچ جایی برای انتقاد و تعدد ندارد. حکم خدا با حکم خلق، آنکه حکم خدا و قانون خدا را قبول دارد دیگر نمیتواند به آراء مردم و خواست آنان امانت دهد. در منطق دین، قانون مال خداست و مردم موظف به اجرای آنند و بیعت فقط میتوانند روی کیفیت اجرا باشد. همین ویس، چند ماه پیش که برخی از غرض خبیان روی محتوای دموکراتیک قانون اساسی با توجه به اسلامی بودن آن بحث میکردند، آیت الله مرعش نجفی رگ تر و پوست کنده تر از هر کسی دیگر نظرات "اطلاحی" خود درباره "پیشنویس قانون اساسی را در کیهان مورخه ۱ مرداد ۵۸ بیان کرد. وی گفت: "آراء عمومی بدون توافق مراجع تقلید و اهل حل و عقد مستبر نیست." و در رابطه با استدلالی که از طرف مذهبپویان روشن بین داور بر اسلامی بودن شورا آورده می شود، گفت پس از ذکر "شوراهای منتخب مردم" باید نوشت: "شوراهای منتخب از اهل حل و عقد و مراجع ذیصلاحیت". وی بدون پرده پوشی های معمول در همان مباحثه گفت:

"در زمان نیت امام (ع) حاکمیت از آن فضا و مراجع تقلید است." در جای دیگر ایشان حتی آزادی عقیده را با قید "مگر بحکم قانون شرعی" محدود کرده و نویسد "دوران انگلیزیسیون (تفتیش عقاید) - قرون وسطایی را میدهد و حتی داشتن عقیده را مانع می نماید و میتواند هر کسی را که بخواهد به "جرم" داشتن عقیده محکوم و مجازات کند. آخر اوقیه و مجتهد است. در این متن "اطلاحی" هر جایی نامی از آراء عمومی و شرکت کنندگان در انتخابات... برده شده، او با عبارتی نظیر "تأیید مراجع عظام" مقید کرده است. آیت الله مرعشی نجفی همینطور برای محکم کاری مینویسد که "شورای نگهبان فقط و فقط از طرف مراجع تقلید تشیعه انتخاب میگردد." و در جای دیگر اضافه میکند که "شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ابدی است و بهیچ عنوان قابل تغییر و تجدیدنظر نخواهد بود." این مجتهد جامع الشرایط، امروز با چنان توقع ورو صدهای درباره نظرات خود حرف میزند که در ابتدای نظرات خویش مینویسد: "بیدبختی است مسئولین امر نسبت به بررسی و تجدیدنظر در آن (متن پیشنهادی) اقدام مقتضی معمول خواهند نمود." و با توجه به اصل اسلامی ولایت فقیه "حق هم با اوست! از همان زمان بر هر فرد آگاه معلوم بود که مجلس خبرگان جرأت یک کلمه پس و پیش کردن از همین حرفهای رگ و پوست کنده آیت - الله نجفی را ندارد. آخراً و فقیه است و یکگشته حق و شو دارد. او در همین مقاله بی پرده تر از هر کسی دیگر (تا بد چون منافع خاصی در تلف و دوران ندارد!) گفت: "مالکیت مشروع در اسلام حدودی ندارد" و تصریح کرد که "چون در اسلام اجیر شدن و کار کردن برای دیگری با اغدا جرت جایز است مانند مزارعه و مساقات و مقاربه و در اینگونه موارد عمل آسان محترم است، اینرا استثنا نشمار میگویند." و بدین ترتیب تنها بهره کشی را جایز شرد بلکه مریضاً روابط فئودالی مزارعه... را مورد تأیید قرار داد. و بطور خلاصه: اولاً بر طبق ولایت فقیه آیت الله مرعشی نجفی با هر چند دیگر نمیتواند درست برخلاف آنچه دیگر فقیهان اکثریت قاطع مردم رای داده اند، نظر بدهد و آنرا اگر بتواند اجرا کند. آیت الله خمینی این مطلب را در صفحه ۵۷ کتاب حکومت اسلامی چنین بیان می کند: "همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست برای فقیه هم هست. لکن فقها "ولی مطلق" به این معنی نیستند که بر همه فقهای زمان خود ولایت داشته باشند و بتوانند فقیه دیگری را عزل یا نصب نمایند. در این معنی، مراتب و درجات نیست که در مرتبه بالاتر دیگری در مرتبه پایین تر باشد، یکی والی، دیگری والی تر باشد." ثانیاً، اسلام حکومت اسلامی همین است و ولایت فقیه لازم است. آنها که می خواهند قبول این اصل از دموکراسی و آراء عمومی و آزادی هم سخن بگویند بیهوده میکوشند.

گزارشی از زاعه نشین های شهر مشهد

گزارشی تحت عنوان فوق بدست ما رسیده است که علامه آنرا در زیر مشاهده می کنید: در سطح شهر مشهد سه قسمت چادر نشین است که یک قسمت آن در خیابان سرخس (پاشین شهر) قرار دارد در این قسمت حدود بیست چادر است که ۲۳ نفر جمعیت آنرا تشکیل می دهد. دو قسمت دیگر آن در خیابان پشت ۲۵ شهریور قرار دارد که تعداد چادرها حدوداً ۸۰ است و جمعیت آن ۴۰۰ نفر می باشد تعداد زیادی از اینها حدود بیست سال است که از نواحی سرخس، زابل و زاهدان و روستاهای آن به خاطر فقر زیاد، بیگاری و بیهادر پول با کار به این محل کوچ کرده اند. اغلب از راه گدایی زندگی می گذرانند و جوانترها از راه حملی یا خرده فروشی (فروش کبریت، آدامس، شکلات و غیره) که روزی پنج تا بیست تومان در آمد دارند و چندتایی هم مشغول تراشیدن و درست کردن ابزاری مثل سیخ کباب، چاقو و اینگونه وسایل می باشند که توسط مردمان ساخته می شود و زنهای عامل فروش آنها در بازار می باشند. در هر چادر حدوداً ۸ نفر زندگی می کنند که البته آنها شیکه چهارپا و با حیوانی دیگر دارند در همان چادر (در گودهایی که کنده اند) جای می دهند. در یک مغزوبه کشیف و پر از پشه و مگس چادرها را بملاحظه چند قدم نصب کرده اند وارد اولین چادر که می شوی گرمای کلافه می کند یک زبلوی پاره روی صوفی پهن کرده اند. مقداری روغن آب در یک گوشه چادر و مقداری ظرف در گوشه دیگر چادر تمام زندگی یک خانواده را تشکیل می دهد. احوال ماسیفانه!! را که می پرسی، سری با تاسف تکان می دهد... سوال می کند شما از طرف دولت آمده اید؟ بوضع مسامحه رسیگمی می کنید؟ آفایه می دهد، مسامحه خلی بدبختیم... ۱۵ سال است در اینجا زندگی می کنیم ولی هیچکس بداد ما نمیبرد پیروم تقریباً ۶ ساله ای است در جواب ما که می پرسیم چندتا بچه داری؟ میگوید: شکر خدا هیچ! هدهدهان مرده اند. ۵ تا بچه داشتیم که همه در کوچکی و بزرگی عمرشان را به شما بخشیده اند!! من شکم خود را نمی توانم سیرکنم چه رشد به بچه ها. نمی دانم این آخر عمری بالاخره وضع ما درست می شود یا نه؟... به چادر دیگری میروم. مرد نسبتاً جوانی با سیربچه ای که از پایش غور و چرک می ریزد در گوشه ای چمباتمه شده و پسرک با حالی نزاره زار می زند و از درد به خود می پیچد. پدرش می گوید: به پای پسرم حلب فرو رفته نمی دانم چکارش کند خود و بچه هایم و زنت متعاد بوده و چند بار برای شرکت اعتیاد به بیمارستان، متعادلین مراجعه کرده و جواب منفی شنیده ام. بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

**ارتش و تصفیه ضد انقلابی در آن!**

قوه قهریه یعنی جنگ داخلی میشوند و سرنیزه را دردستورروزمیکذارند. درطول مبارزات شکوهمند خلق ما، این آتش مسلسل ارتش ضد خلقی شاه و سرمایه - داران وابسته به امپریالیسم بود که بارها و بارها سینه هزاران کارگر، دهقان و بیست - و نه را از هم نکافت. خلق ما با کسب آگاهی عمیق از همین واقعیت بوده که درگوران مبارزات خود همیشه ارتش ضد خلقی را هدف میگرفتند، با شعارهایی چون: "ارتش ضد خلقی ناپسود باید گردد - ارتش خلقی ایجاد باید گردد" و با "ارتش خلقی بها می کنیم - میهن خود را رها می کنیم".

توده های ستم کشیده مردم که هرروز و هر ساعت سنگش خرابانها را با خون خود و عزیزان خود رنگین می ساختند، ماهیت ضد خلقی ارتش - شاه را با کوشش و پوست خود لیس می کردند. در حالیکه رهبران مذهبی و لیبرال که از همان ابتدا آماده بودند بر سر تانک منافع تنگ نظران طبقاتی خود خون هزاران شهید را وجه معامله قرار دهند، در پشت پرده سرگرم مذاکره با امپریالیستها و مهره های سرسپرده آنها یعنی مقامات دولتی و ارتشی رژیم شاه بودند. آنها پس از سازش - های نهایی با امپریالیستها خود را آماده تحویل گرفتن آرام قدرت و سد کردن سیلاب خروشان انقلاب توده های کرده بودند.

یکی از مهمترین موارد این توافق، حفظ ارتش با ساخت موجود آن بود. ارتش سرسپرده ای با یک نظام اطاعت کورگورانه که مهره های اصلی و حتی درجه دوم آن همگی در آمریکا آموزش دیده و برای سرکوب جنبش خلق و حفظ منافع امپریالیستها و سرمایه - داران وابسته سازمان یافته بود. بهمین دلیل درست در همان زمانیکه ارتش مردم را به گلوله می بست، سازشکاران شعار "بگفته خمینی ارتش برادر است" را بر سر زبانها می انداختند. بورژوازی لیبرال این خیال را در سر می پروراند که ارتش و سایر موسسات دولتی را دست نخورده و یکجا تمام کند ( رجوع شود به گفتار صدراعظم جواد ) تا باردیگر آنها را برای سرکوب توده های مردم که خواسته هایشان بسی از خواست بورژوازی فراتر می رفت بکار بود.

ولی قیام توده ها در ۲۱ و ۲۲ بهمن این پندار بورژوازی را نقش بر آب کرد. قیام توده ها با وجودیکه سرعت توسط بورژوازی و رهبری محافظه کار جنبش مها رگورید، ضربات هولناکی بر ارتش، پلیس و سایر موسسات دولتی وارد ساخت. ارتش فلج شده بود. پرسنل انقلابی ارتش که اکثرآ سربازان و درجه داران جز و همافران بودند بهادگان ها برگشته بودند. توده ارتشی که در جریان انقلاب از آگاهی نسبی برخوردار شده بود دیگر حاضر نبود زیر بار نظام اطاعت کور - گورانه برود. حاضر نبود به ماشین آدمکشی تبدیل گردد. آنها همراه با دیگر طبقات و اقشار توده خواهان آزادی و ثورای بودند. آنها دیگر نمی خواستند از فرماندهان زمان

" طاغوت " فرمانبرداری کنند. ولی دولت " موقت " سرمایه داران که می خواست بها پاره ای اقدامات سطحی مثل بازنشسته کردن تنی چند از امرای از زبربار اجرای خواسته های اساسی توده ها شانه خالی کند، فرمان ایست داد. دیگر بی است! هرکس باید بسوزد

می گفت. بورژوازی برای اینکار مهره های نظامی سابق را که چکمه لیس و خدمتگزار شاه و امپریالیسم بوده ولی برای توده ها کشتار شناخته شده بودند یکی پس از دیگری بر سر کار می آورد. افرادی از قبیل سر تیپ شاکر که حتی در اولین روزهای پس از قیام توسط

**● تحمیل جنگ به خلق کرد بهانه مناسبی برای تصفیه پرسنل آگاه و انقلابی بدست ارتجاع و فرماندهان مزدور و هاد**

کار خود برود. هرکس باید از مافوق اطاعت کند. سرباز از فرمانده، کارگر از کارفرما، کارمند از رئیس، و برای این فرمان خود فتوا شیه ترمی قم را هم دردست داشت: از امروز هرکس اعتراض، کم کاری و اعتصاب بکند و اطاعت مافوق ننماید، ضد انقلاب شناخته خواهد شد. ولی توده ها خواستار تغییر بنیادی روابط و موسسات موجود بودند. نیروهای آگاه خلقی و پرسنل انقلابی ارتش خواهان انحلال ارتش ضد خلقی و ایجاد ارتش خلقی از نیروها و عناصر مترقی و مومن به آرمان خلق بودند. توده های ستمدیده خواستار بهبودی فوری وضع رفت بار خود بودند. دهقانان زمین های فئودالها و سرمایه داران ملاک را معادله می کردند. کارگران خواستار افزایش دستمزد، بیمه، مسکن و دخالت فعال در سرنوشت خویش از طریق شوراهای خلقی بودند. ژست های تهدیدآمیز دولت در مقابل اراده و خواست توده ها بجایش نمی رسید. کمیته ها نیز که بتدریج از ماهیت خلقی خود تهی شده و به آلت سرکوب توده ها تبدیل گشته بودند، با ترکیب طبقاتی و انارشی خرد بورژوازی خود بمذاق بورژوازی غشوش نمی آمد. می بایست هرچه زودتر ارتش سامان می یافت. هرچه زودتر نظم اطاعت کورگورانه اش اعاده گشته، تجهیز و آماده سرکوب

قهرنی که خود یکی از جلدان خلق در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بود برکتا رگورید و چند ماهی در زندان بود. خرد بورژوازی مرفه سستی که بنابه ماهیت طبقاتی خود در سرکوب توده های زحمتکش درکنار بورژوازی لیبرال قرار گرفته، ارگانهای خود، کمیته ها و سپاه پاسداران را که از انبوه آموزش نیند فتهای از عناصر نا آگاه و لایمن ها تشکیل شده، در سرکوبی جنبش توده های ناتوان می - باید. رهبری کینه گرای خرد بورژوازی که هنوز در توده های نا آگاه نفوذ فراوان دارد و در ست بهمین علت و نیز به علت کوشش بیخوشی و تنگ نظری خود که از سرچشمه یک وضعیت خاص عینی و ایدئولوژیک که خود را از لحاظ تاریخی در جنگ میان نو و کهنه در معرض فنا می بیند، آب می خورد، از بورژوازی در سرکوب هر چه سریعتر جنبش خلقی بی تاب تر است، در بازسازی هر چه سریعتر ارتش با بورژوازی همدستان می گردد. منتهی با روش خاص خود، او ارتش را که در اساس، چه از لحاظ مناسبات درونی و آموزش و چه از لحاظ فرماندهی همان ارتش ضد خلقی و در خدمت طبقات مرفه و ارتجاعی است، در هاله ای از تقدس می پوشاند و آنرا بنام لشکر دین به توده ها معرفی میکند.

سرانجام زمانی که بورژوازی و هم - دستان وی تاحدی از ساخت ارتش مطمئن می - گردند کار خود را آغاز می کنند و در جستوی آکنده از هیا هو و فلیان احساسات که با تبلیغات زهر آکین، در شرایط عدم آزادی مطبوعات، شکل گرفته، این ماشین عظیم سرکوب را که زنگ غوردگی پیدا کرده، انتظام داخلی را باز نیافته و مورد تنگ و تروید توده ها است، روانه میدان می کنند.



نیروهای ویژه و تکاوران. که رژیم شاه برای سرکوب خلقهای داخل و خارج ترویدت کرده بود، همان نقشی را که شاه برایشان در نظر گرفته بود. با بمباران خلق کرد، با آوردن تانکها به خیابانها، با تانکها گرفتن سینه خلق، بی کم کاست انجام می - دهند. بی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا در سبوحه جنگنازشت به هیئت حاکمه می - دهد و موافقت خود را با دادن ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه و قطعات یدکی به ایران اسلام می دارد. و با این عمل نشان می دهد که چگونه پشتیبان تهاجم فاشیستی هیئت حاکمه بر خلق کرد است. و چگونه حرکت رژیم را در سرکوبی جنبش توده ای تاشد می نماید.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱ اخبار کردستان

مردم کردستان مبارزه را در تمام جبهه ها ادامه میدهند

در بسیاری از شهرهای کردستان مردم با پاسداران و ارتش ها حرف نمی زنند و با آنها با خشم و نفرت برخورد می کنند. حتی بعضی از منازعه ها به آنها حسرم نمی فروشند و اگر جنسی را داشته باشند، میگویند نداریم. این مسئله در مورد پیشمرگه ها برعکس است. در ضمن دکان داران طرفدار مفتی زاده از طرف مردم تحریم شده اند و کمتر کسی از آنها جنس می خورد.

گفته می شود که در کردستان مردم از تحویل اسلحه خودداری کرده اند و نیروهای دولتی از روی لیبست به دستگیری مبارزان اقدام می کنند. مردم روزها به نظر هرات مومسی می پردازند و علیه دولت شمار می دهند. تنها با استفاده از تاریکی به پاسداران حمله می کنند. و با به پشت بام رفته و شمارهای تندی علیه رژیم می دهند.

نیروهای دولتی دردهات اطراف دیواندره کردستان از چندی پیش شروع به خلع سلاح مردم کرده و در موارد زیادی برای پیدا کردن محل اسلحه به شکنجه روستائیان پرداخته اند. آنها یکی از کشاورزان را از دودکش خانه اش روی شنور داغ آویزان کرده اند تا مجبور شود محل سلاح را نشان دهد.

مهاباد

اعتراض و راهپیمائی مردم

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۱۵ و ۱۴ شهریور ماه) هزاران نفر از مردم مهاباد در خیابان های این شهر به تظاهرات راهپیمائی پرداختند و ضمن آن خواستار بازگشت شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مذهبی خلق کرد شدند.

در خلال راهپیمائی روز چهارشنبه، تظاهرکنندگان مقابل فرمانداری مهاباد اجتماع کردند و علیه عناصر مرتجع دولت و شیخ مادی خلخالی شمار دادند. آنان همچنین خواستار متوقف شدن اقدام های ضد انقلابی فرزندان راستین خلق کردند. در پایان این راهپیمائی، پاسداران برای متفرق کردن مردم به تلیک هوائی متوسل شدند.

کلیه اخباری که با \* مشخص شده از زیر نامه کردستان شماره ۴ نقل شده است (با تلخیص)

همبستگی شهروروستا

شهرسیده روزهای مهاباد و بانه سردشت در ماه مرد بود و مردم با کمبود مواد غذایی روبرو بودند اهالی روستاها هر روز در راه و انت نان بخته و به شهرها می فرستادند.

سندج پاداش مزدور

در سندج پیشمرگان خانه یک خان ( مزدور) را که از طرف پاسداران ملاحمد مفتی زاده بوده متفرق کرده اند. از نتیجه این انفجار اطلاعی در دست نیست.

پاوه

توده ها را برای همیشه نمیتوان فریب داد

بدنبال اشغال شهر پاوه و اعدام ها جوان مبارز در این شهر، به منظور فریب توده ها هر چند روز یکبار نظا هرات فرمایشی در شهر برپا می شود. نظا هراتکنندگان که اغلب اجیر شده اند (مانند افراد قاضی انصاری) دستور دارند که هنگام فیلمبرداری، علیه " شیخ عزالدین حسینی " و " دکتر قاسم " شعار بدهند. هزاران نفر از مردم پاوه که قبلاً بی طرف بودند و با به علت احساسات پاک مذهبی و تبلیغات زهر آگین دار و دسته مکتب قرآن با شیخ عزالدین حسینی و نیرو های مترقی مخالف بودند، بدنبال اعدام جوانان مبارز پاوه به شدت از رژیم پاسداران متنفر شده اند. زهر آتشی بسیاری از اعدام شدگان را از نزدیک می شناختند و به آنها احترام می گذاشتند. یکی از این شهدا شیخ عزالدین ضیائی، تکنیسین آزمایشگاه بود که مردم خدمات ارزنده اش را در بیمارستان شهر فراموش نخواهند کرد.

سقز

خلق کرد آرام نمی نشینند

مدتی پیش برای چندمین بار مردم سقز، بخصوص خانلو ده های زندانیان سیاسی کرد علیه رژیم ضد خلقی و خلخالی به تظاهرات پرداختند. در این تظاهرات بیش از سه هزار نفر از خانلو ده های کرده مبارز شرکت کرده بودند. این تظاهرات آرام بوسیله پاسداران بخون کشیده شد و به نفر به شدت مجروح شدند.

چه کسانی

اعضاء مکتب قرآن هستند؟

پیش از این خبر دادیم اعلاء به اصطلاح مکتب قرآن که با پاسداران همکاری می کردند و اعضای نیروهای مترقی را لومی دادند شناستی شدند و یکی از آنها بنام رحمن کبانی دستگیر و به مهاباد اعزام شده است. اینک اسامی چندتن دیگر از آنها:

- ۱- عباس راننده معروف به عباس تیله کوشی
- ۲- منصور نیلوفری و حسین احمدی (این سه نفر، هر سه جافوکشان معروف شهر هستند)
- ۳- عبدالقادر مهری، عمو سابق انجمن شهر و رئیس بخش اعصاب حزب ایران نوین و روستا - خیز
- ۴- عطا الله، فرزند کاک بابزید
- ۵- محمد خوشحالی عضو ساواک و از اعضای برجسته حزب رستاخیز سقز
- ۶- مسعود طلوعی

مسئول مکتب قرآن ۸ - محمد طلوعی ۱۰ و ۱۱ - ملاحمد شیخ الاسلامی ساواکی معروف و ملاحسن ادیبی .

دو نفر اخیر که از ساواکیهای معروف کردستان می باشند، در جریان قیام ارتس توده ها جرات نداشتند از خانه هایشان خارج شوند و هر کدام چندماه در تهران مخفی شده بودند. بدنبال اشغال سقز به این شهر بر - کشتند و مدتی در پادگان سقز با خلخالی همکاری می کردند.

عدل اسلامی!

در میان اعدام شدگان سقز که ۵۲ نفر بودند، ۲ نوجوان ۱۲ ساله و ۱۴ ساله نایبهای آذربکشب دارایی و سیف الله فیضی وجود داشته اند. در کجای دنیا و با چه قوانینی نوجوانان ۱۲ و ۱۴ ساله را آنهم به جرم عقاید سیاسی شهرواران می کنند. این یکی دیگر از شاهکارهای بیدادگاه عدل اسلامی است. سنگتان باد!

بقیه از صفحه ۴

ارتش

و تصفیه ضد انقلابی در آن

ولی حمله شجاولگران ارتش به دست آوردهای خلق کرد، بدون مقاومت در درون از پیش نمی رود. توده ارتش ابتدا مبهوت است. مبهوت از اینکه چه زود دوباره وظیفه آدمکشی را در مقابل او گذارده اند. ولی این بهت بزودی به زمزمه های اعتراض و سپس تهرود عناصر انقلابی و آگاه منجر می شود. عده زیادی از پرسنل آگاه و انقلابی ارتش از پادگانهای مختلف، در کردستان، کرمان، تهران ... فرار می کنند و حاضر نمی شوند بار دیگر زیر نظر فرماندهان رژیم کلاشته و این بار در پوشش اسلام دست خود را بخون خلق آغشته سازند.

عکس العمل ارتجاع سریع و بی رحمانه است. او گمان می کند فرست خوبی بسزای تسویه حساب با پرسنل انقلابی و آگاه بدست آورده است و به همین لحاظ فتوای " شرعی " به مورد اجرا گذارده می شود. جلا آماده است. دهها تن از پرسنل انقلابی به جرم شن ندادن به کشتار مردم، نخست در سقز و سپس بر طبق اخباری که می رسد در تهران و دیگر نقاط کشور به جوخه آتش سیرده می شوند.

آری، اینچنین ارتش را تصفیه می نمایند. تصفیه ارتش از پرسنل مزدوری و انقلابی! سنگ بر چنین تصفیه ای باد درود بر پرسنل انقلابی ارتش سنگ بر فرماندهان مزدور و خائن گرامی با دخال طره پرسنل انقلابی ارتش که بحکم بیدادگاههای " شرع " به شهادت رسیده اند.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی دمکراتیک

## توضیح :

پس از انتشار پیکار ۲۰ و ۲۱ انتقاداتی در مورد مقالات مربوط به آیت الله طالقانی، طرح شد. این انتقادات که هم از جانب رفقای سازمانی و هم از طرف رفقای هوادار عنوان شده، بدرستی موضع غیرکمونستی این مقالات را مورد نقد قرار داده است.

واقعیت اینست که در دو مقاله مزبور مواضع آیت الله طالقانی مخصوصاً پس از قیام بدرستی و از موضعی کمونستی منعکس نشده است. اینکه آیت الله طالقانی تا قبل از قیام همواره درجه درجه دمکراتیک و صد امیرالیستی خلق ما جاسای شایسته ای داشته، حرفی نیست و در اینکه او پس از قیام نیز اینچنین و آنچنان با انحصار طلبان و بورژوازی درگیری‌ها داشته و مخالفت‌ها داشته کرده است نیز، شکی نیست. اما این نیز حقیقت غیرقابل انکار است که مواضع او پس از قیام مجموعه تسلیم طلبانه بوده و این مواضع مخصوص در مورد کردستان و نیروهای چپ جلوه بسیار داشته است.

در جریان تهاجم فاشیستی و گسترده شهریور ماه ضد انقلاب به خلق کرد، به مطبوعات مترقی، به نیروهای انقلابی چپ تسلیم طلبی آیت الله طالقانی در مقابل ارتجاع و بورژوازی به او خودرسید. سخنرانیهای نماز جمعه (در ماه رمضان که مصداق با این تهاجم بود) با توجه به وجهه وی در بین اکثریت توده‌ها، اثر قابل توجهی در تحکیم مواضع ارتجاعی هیئت حاکم داشت.

آیت الله طالقانی در ضمن سخنرانیهای فوق الذکر بارها بر وحدت تکیه داشت اما وحدت مورد نظر وی، با تمام حسن نیتی که داشت، چیزی نبود جز مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب، و این موضوع تا آنجا پیش میرفت که حتی مرز میان نیروهای مذهبی دمکرات و مرتجع نیز ماست مالی می‌شد. چنین وحدتی را فقط ارتجاع لازم داشت (و دارد)، تا سرکوب خلقها و نیروهای انقلابی چپ را عملی سازد.

این مواضع بهیچوجه غیر مترقبه نبود چرا که خرده بورژوازی صوابه دلیل موقعیت متزلزل طبقاتی همواره بیمن بورژوازی و یورولتاریا، بین انقلاب و ضد انقلاب نوسان میکند و این نوسانات و متزلزل مخصوص زمانیکه این طبقه بقدرت سیاسی دست یابد، بیشتر و افزونتر میگردد.

آیت الله طالقانی نیز بمنابر یکی از نمایندگان برجسته قشر متوسط، از این منظر اجتماعی و تاریخی برکنار نبود و عملکردهایش سبزه در ماههای خنجر بویایی واقعیت را، مقاله‌های فوق الذکر بدلیل حرکت از یک موضع خرده بورژوازی در تحلیل طالقانی معلوم می‌ساخته بود. ما رکیست‌ها در برخورد با افراد، قبل از آنکه به نیت آنها و یا گفتار آنها توجه نماییم، اعمال و کردار آنها و اینکه عملاً در خدمت چه قشر و طبقه اجتماعی هستند، را در نظر میگیریم. جدا کردن فرد از قشر و طبقه‌ای که آنرا نمایندگی میکند، ما را

## فجایع بر علیه خلق کرد در پرده نمی ماند و حقیقت همچون آفتابی همه جا خود را نشان میدهد

رژیم حاکم گردید. اگرچه نیروهای انقلابی و مترقی کوشیدند که واقعات را آنطور که هست برای مردم منعکس کنند ولی به علت محدودیت توانشان و تضیقات فراوانی که رژیم حاکم برای آنان ایجاد کرده است آنطور که باید موفق بدین امر نشدند. اما جنایات و فجایع ارتجاع انقدر بود که حتی در روزنامه‌های رژیم هم انعکاس یافت و به مثابه ناشی بر گرفته‌ها و اخبار نیروهای انقلابی و مترقی راجع به جنایات پادشاهان ارتجاع در کردستان و اسناد رسوا کننده‌ای برای قدرت حاکم، خود را نشان داد به غیر زبر توجیه کنند:

بخاطر عدم وجود نشریات مترقی و لغتاً - کر و در انحصار گرفتن رسانه‌های گروهی اعم از نشریات و رادیو تلویزیون توسط ارتجاع حاکم، توده‌های مردم از اخبار و واقعاتی که در میهنمان، ایران، اتفاق می افتد و اخبار خارجی که به نوعی بسا منافع ایران تماس پیدا می کنند با ما خبر نمی شوند و با از آنها بصورتی کاملاً تحریف شده و سانسور شده اطلاع می یابند. از جمله واقعاتی که در کردستان بعد از هجوم فاشیستی ارتش و پادشاهان به خلق دلاور کرد رویداد، مشمول سیاست ارتجاعی تبلیغاتی

- به نقل از کیهان ۲۹ شهریور :

### تلگرام اعتراض علمای مذهبی بانه به نخست وزیر

بانف از سوی علمای مذهبی بانه و قاطبه اهالی منطقه تلگرامی در اعتراض به اعمال پادشاهان در این شهر به مهندس بازرگان نخست وزیر ارسال شد. در این تلگرام آمده: «همچنان که مطلع هستید ما مردم کردستان همواره در طول تاریخ مرزدار خوبی برای ایران بوده و در اعتدالی دین مبین اسلام از هیچگونه طرفداری دریغ ننشود و نیز در برانداختن نظام مستبدی شاهنشاهی، برای رهائی از ستم، دوشادوش سایر هموطنان مبارزه نمودیم.» در قسمت دیگر این تلگرام ضمن اشاره بدستور مزیح امام بهی برای آنکه هیچ پادشاهی بدون اجازه دادستان حق دخول بنازل افراد و دستگیری کسی را ندارد، به آیه ۳۷ سوره نور نیز آمده: «از روزیکه قوای پادشاهان به پناهه وارد شدنا نمانیت و آیش از این دیار رخت بریسته زیرا در تمام شبانروزه پادشاهان بناوین مختلف پخانه‌های مردم هجوم میبرند و افراد را دستگیر و با چشمان بسته بساکه میکشند و باهلیک رگبارهای ناگهانی، خواب و آیش را از مردم سلب نموده و بقدمات ملی و مذهبی اهانت مینمایند.» مردم بانه ضمن درخواست از نخست وزیر برای خاتمه دادن اینگونه اعمال، افزودند: «چنانچه وضع بهین منوال باند، برخلاف میل باطنی ناگزیر هستیم که جلای وطن نبوده و بیکی از کشورهای مسلمان پانهند نوییم. والسلام علیمن اتعاهدی.»

نابود باد توطئه‌های

ارتجاع و امپریالیسم

بر علیه خلق کرد

از تحلیل ما رکیستی افراد و پدیده‌های سیاسی بدور می‌اندازد و در گزدا ب تحلیل‌های ایدئالیستی و خرده بورژوازی درمی غلطاند.

ضمن تشکر از رفقای که در مورد این نظرات انتقاد دیدند در فرستاده بودند، از همه رفقا خواستاریم که با ارسال نامی نظرات و انتقادات خود ما را در پیشبرد اهداف نشریه پیکار یاری رسانند. ■

## تهران

ساعت ۱۲ شب روز ۵۸/۶/۲۱ افراد مسلح کمیته، دانشجویی را که قبلاً زندانی سیا - سی بوده از ساختمان شماره ۲ کوی دانشگاه تهران، بدلیل نامعلوم دستگیر کرده و برده اند.

## دیروز گارد دانشگاه، امروز چماق بدستها

عمر سه شنبه ۵۸/۶/۲۲ دسته ای معلوم الحال که از بس درتهاجمات و تخریب - های قبلی دیده شده اند، حالا دیگر برای همه شناخته شده هستند، به دانشگاه تهران - سرا - زیر شدند و پس از سرکشی به یک یکدانشکده ها و پاره کردن اعلامیه ها و پوسترها، چند تائی از آنها را بعنوان مدرک به ستاد فرمانگیری خود (نخست وزیر) بردند. در همین صحنه کردن اعلامیه ها، یکی از آنها اعلامیه "آبه داری را پاره کرد. دیگری گفت: پاره نکن اسلامی است. و جواب شدید: درست است که آبه دارد ولی از مجاهدین است و گفته اند پاره کنید.

## ساواک بازسازی میشود!

خبر رسیده که سازمان جهانی اطلاعات و امنیت کشور با نام جدید " سازمان تدویم انقلاب " در حال بازسازی است.

معاون سابق ساواک همدان نه تنها دستگیر نشده بلکه هم اکنون در کمیته شمیران (تجریبی) سرگرم همکاری است

اواخر مردادماه ۵۸ اعلامیه ای به صورت زیر به شیشه نگهبانی زندان اوین نصب شده بود: " برستل زندان اوین، در صورت تمایل به خدمت، ۴۸ ساعت بعد آزادی باید مدارک خود را تحویل دهید."

از دونفر اعضای فعال سابق ساواک شنیده شده که تاکنون دورتربه به آنها پیشنهاد همکاری مجدد داده شده است. اما بنا به گفته خودشان فعالیت مجدد را قبول نکرده اند!

## کمیته زهرا خانم!

چند روز پیش یک نفر هنگام بحث با دیگران بخاطر عقاید کمونیستی اش توسط زهرا خانم وهیالکی - هایش دستگیر و به پاسداران دانشگاه تحویل داده می شود.

خبری تأیید نشده حاکیست که حدود یک هفته قبل یکی از اعضا سازمان دانشجویان مسلمان پلی تکنیک در رابطه با گروه فرغان دستگیر شده است. ویرا مدت دو روز آنقدر شکنجه کرده اند که اکنون تعادل روانیش را از دست داده است.

گفته می شود در وزارت کشور، کمیته ای از اسامی کمیته ها، بخصوص آنهاشکه در دوره شاه اعتصاب راه انداخته و با فعالیت چشگیر داشته اند، تهیه شده، تا در صورت لزوم دستگیر شوند.

## اعتراض به ابقای فرماندهان سابق

چندی پیش تعدادی از پاسانهای شهرنایسی به عنوان اعتراض به تجدید روابط قبلی و ابقای فرماندهان سابق با همان دستورات و بخشنامه های پیشین، متحمن می شوند. پاسداران حمله می کنند و آنها را بنام ضد انقلاب بیرون می نمایند. پاسانها که حدود ۵۰۰ نفر بودند، درمدانجام اعتراضات جدیدی هستند.

## اخبار شهرستانها

یکی از سربازان نیروی دریایی که خدمتش ۱۶ شهریور به پایان رسیده است، پس از تکمیل تمام مدارک و تعقیب حساب با ارتش، به او می گویند: "هیچکدامتان را مرخص نمی کنیم و فعلاً کارت پایان خدمت بکسی نمی دهیم" علتش را هم جریان کرد - ستان ذکر می کنند. به این ترتیب کسانی از آنها که اسامی درکنکور قبول شده اند، نمی توانند به دانشگاه راه یابند.

درپادگان شهید حنیف نژاد چند نفر از افسران و درجه داران از رفتن به مناطق کردنشین و شرکت در جنگ برادرکشی سرباز زده اند. هم اکنون تعدادی از این افراد در حال محاکمه می باشند و از آنها می خواهند "شکلیات ارتش آزاد ایران" را معرفی کنند. درهمین رابطه استواررفاشی یکی از درجه داران میهن پرست که حاضر نشده بود به سزای برود، پس از یک محاکمه نظامی ۲۴ ساعته اعدام شده است. از وی زن و ۴ فرزند باقی مانده است و بزرگترین فرزند او ۱۲ ساله است.

## دولت بجای کارگران پیکار، به آمریکا خسارت میدهد

درشرایط بحرانی قبل از قیام، بسیاری از کارگران و زحمتکشان کارخود را از دست داده اند و تا امروز هنوز بیکارند. اینان که ستون اصلی قیام بودند، بیشترین فشار را برشانه های خود احساس کردند و کمترین بهره از این قیام عایدشان شد. آنها امیدوار بودند که پس از قیام و سرنگونی رژیم مزدور شاه زندگیشان سروسامانی بگیرد. امروز که بیش از هفت ماه از عمر دولت موقت می گذرد، نه تنها نتوانسته خیسل وسیع گرسنگان و بیکاران را سرکاربگذارد، بلکه بجای پرداخت خسارت به کارگران و زحمتکشانیکه دراین قیام از جان خود ماهه گذاشتند، به آمریکا خسارت می دهد که به آوردش برای ملت ما همه غارت است و چپاول! به خبر زیر توجه کنید:

دولت ایران در تاریخ ۵۸/۶/۲۴ مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به سفارت آمریکا در واشنگتن ارسال داشت، تا از طریق آن سفارت به دولت آمریکا تحویل داده شود. گفته می شود که مبلغ مذکور جبران خسارت وارد " بر آمریکا در جریان انقلاب است که

با توصیه و بافتاری دکتر بزرگی ارسال شده است. پیش از این تاریخ نیز مبلغ ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به آمریکا تحویل داده شده است.

## گنبد

گفته می شود در گنبد توسط افسراد کمیته و دادستانی انقلاب شهر که مسئولیتش با مسعود حق گو (زندانی سیاسی سابق) بود، اطلاعاتی مابین گرفتن ۲۰ درصد محصول از فتودالها و پرداخت آن به دهقانان و ... صورت گرفته بود (البته با مشکلات و درگیریهای زیاد). اعتراضات و شکایت - های بی دربی فتودالهای منطقه موجب می - شود که فرد مذکور را تنویض و شخصی بنام طباطبائی را جانشین وی کنند. درضمن چند ارتشی بازنشسته را نیز از شهران بگمک وی می فرستند. طباطبائی با فتودالها زدوبند می کند. اعمال وی موجب ناراضی دهقانان و افراد صادق دادستانی انقلاب منطقه شده است.

## رشت

## مردم در مقابل ارتجاع مقاومت میکنند

روز ۱۷ شهریور اهالی یکی از محله های بزرگ رشت، سردرکوجه ای پلاکاری نصب می - کنند بدین مضمون: " درسالروز هفده شهریور دولت موقت هفده شهریور دیگری درکردستان بوجود آورده است." اما عناصر مرتجع و ناآگاه و تحریک شده، با نظاهرات و هياهو می گویند پلاکارد مذکور را پاشن بیاورند که با مقاومت شدید مردم محل روبرو میشوند و درگیری بوجود می آید. پاسداران دخالت می کنند و تیراندازی صورت می گیرد و معلوم است به حمایت از چه کسی! دونفر زخمی می شوند مردم زخمیان خود را به بیمارستان می - رسانند و خشمگین از عمل پاسداران به خیابان می ریزند و فریاد می کنند: " چه فرقی است بین رژیم قبلی و این رژیم! خیابان از آتشی که مردم افروخته بودند بند می آید. رئیس کلانتری برای آرام کردن مردم می آید که کتک خورده برمی گردد. سر - انجام رئیس شهرنایسی و استاندار به خیابان می آیند و قول می دهند که عوامل حادثه را دستگیر و محاکمه کنند. بدین ترتیب مردم حاضر می شوند، خیابان را ترک کنند و به خانه های خود برمی گردند.

## شهری

## اعتراض اهالی بخش کهنرودک

صبح روز پنجشنبه ۱۵ شهریور اهالی کهنرودک از توابع شهری متوجه می شوند که اتوبوسهای شرکت واحد آوری شده و بجای آن چند مینی - بوس مسافرکشی خصوصی شروع بکار کرده است. مردم زحمتکشان منطقه که از این عمل شرکت واحد به خشم آمده بودند، دست به تظاهرات می زنند و طی آن خواستار دادرش اتوبوس

بقیه از صفحه ۲

## گزارشی از زائغ‌نشین های شهر مشهد

بما می گویند بعلت کمبود جا فقط شریایش شما را می توانیم بپذیریم . بچه ها از نوزادی معتاد شده اند چون هروقت درد داشتند مجبور بودیم بهشان حب بدیم تا ساکت شوند ( به این موضوع در سایر چادرها برخورد کرده ایم ) دورتر زنی حدوداً ۲۰ ساله ناله می کند . می گویند سالهاست تمام استخوانهایش مخصوص پاهایش درد می کیند و حالا حتی شریاک هم دردش را دوا نمی کند . ما را به چادر می بردحصر خانه اش را بالا می زند تا رطوبت را که تا کمر به اصطلاح اطلاق رسیده نشانمان دهد . جاتورانی که زهر حبصرخانه کرده اند بیرون می برند . سؤال می کنیم تا حالا آپاکی به آنها سری زده تا به وضعشان رسیدگی کند ؟ بله ... موقع رفتنم یک مرتبه آمدند و یکبار هم روزپاکسازی آمدند اما نه برای تمیز کردن اینجا بلکه برای خالی کردن آشغالهای خیابان بالای شهر ... چرا اعتراض نکردید ؟ اعتراض کردیم فایده ای نکرد . بعد ما تلفن کردیم غروب آمدند از طرف شهرداری و آشغالهای خودشان را دورتر بردند ولی دیگر کسی سراغ ما نیاورد .

یکبار هم آقای استاندار آمدند خیلی مرد خوش اخلاقی است بما قول داده است که بما خانه بدهد و به وضعمان رسیدگی کند و ما منتظریم ببینیم اینجا هم فقط قول می دهند یا نه ... چون قبلاً هم بما خیلی قول داده اند ولی وضع ما روز بروز بدتر شده است .

کمی دورتر به مرد جوانی برمی خوریم التماس می کند که برای او و زن و بچه هایش شناسنامه بدیم . می پرسیم مگر شناسنامه نداری ... نه اینجا هیچکس شناسنامه ندارد ... ازدواجها ... تولدها ... و همه کارها همینطور صورت می گیرد ما نمی توانیم بچه هایمان را بگذاریم با سواد بشوند ... به این دولت بگوئید به وضع ما برس ... باور کنید خیلی بدبختم .

ولی آیا این دولت به وضع ما بنام خواهد رسید ؟ اقدامات دولت " انقلابی " در همین چندماهه نشان می دهد که انتظار این رنج دیدگان و قربانیان نظام استعمارگران انتظار انقلابی می خواند و اعتصاب آنها را بخون می کشد ، دولتی که خواست بحق خلقها را ، مبنی بر خودمختاری با گلوله پاسخ می گوید ، بیگمان نه میخواهد و نه می تواند به خواست ستمدیدگان مبین مان که اکثریت مردم را نیز شامل می شود ، جواب مثبت و عملی دهد .

بعضی از وقایع ، دربعضی از شهرها مانند شیراز و قزوین مردم خواهان بازگرداندن فرزندان پاسدار خود از منطقه شده اند . آنها شمار داده اند که : ما فرزندان خود را برای سرکوبی امثال بالیزبانه ها و سالارچاه ها فرستادیم نه برای سرکوبی کردها .

### همکاری کمیته ها با زمین داران بزرگ در منطقه بیضا ( استان فارس )

در ده سنوین ، دهقانان زحمتکش زمینهای آیزدی ، خان مرتجع این منطقه را که بتنهایی ۴۰۰ هکتار زمین در اختیار دارد ، مصادره کرده و شواری دهقانی خود را تشکیل داد . ه اند ، کمیته شیرازی اعضا ی شورا را دستگیر و بزندان می اندازند . دهقانان برای آزادی دستگیرشدگان حاضر شده اند زمینها را پس بدهند ( طبق آخرین خبر زمینها را پس داده اند ) .

### فیروز آباد فارس

دهقانان زمینهای جعفر بیگ لورا گرفته اند و این خان رازشهر بیرون کرده اند . این زمین ها بوسیله ۱۴۰ نفر از دهقانان مسلح حفاظت می شود .

### مرودشت

بعد از جریان اهل باصری ( که در پیکار ۱۹ آمده است ) ۴۰ نفر از فعالان و مبارزین مرودشت را بخاطر شرکت در آن جریان دستگیر و بزندان انداخته اند .

### زنجان

دو تن از پیشمرگها بنامهای حامدی و علی پهنماز که در جریان سرکوب خانهای شلهکو و گلپایگی بدست عوامل فیروزخان و آقا ملک خلیل ملکی اسیر شده بودند در محل سپاه پاسداران زنجان اعدام شدند . در ضمن بدنبال سرکوبی خانهای گلپایگی و شلهکو بوسیله نیروهای مترقی و انقلابی کردستان و فرار آنها به زنجان ، چندی پیش خانهای گلپایگی و شلهکو به قم رفتند و با آیت الله خمینی ملاقات کردند ( این خبر از رادیو قطب زاده نیز پخش شد ) پس از این ملاقات گفته می شود که به این خانها اسلحه داده اند و امکانات گوناگون برای سرکوبی خلق کرد در اختیارشان گذاشته اند .

آنها هم قول داده اند که در سرکوب خلق کرد ویرم زدن اتحادیه های دهقانی کردستان با پاسداران همکاری کنند .

سهای واحد با بلیط ارزان می شوند . آنها همچنین به کمک چندتن از افراد کمیته محل شان که از جوانان خودشان بوده و از نزدیک با رنج و دردشان آشنائی دارند ، جلوس می بیند بوسه را می گیرند و پس از پیاده کردن مسافران شان آنها را متوقف می کنند .

عمر همانروز مردم بازن و بچه هایشان به خیابان می ریزند و شعار می دهند ، اتوبوسهای ما باید بازگردند . در این هنگام رئیس خط منطقه برای آرام کردن مردم به محل می آید و می خواهد سخنرانی کند . اهالی هم می برند و او را بدست کتک می زنند . همچنین ماشین وی نیز از خشم مردم درامان نمی ماند و بسختی آسیب می بیند . وقتی خبر حادثه دهان بدهان بگوش اهالی دهات و روستاهای اطراف می رسد همه خواستار بازگشت اتوبوسها می شوند . با اینکه حدود ۲ هفته از این اعتراض وسیع میگذرد ، هنوز از طرف مسئولین اقدامی در جهت پاسخ به اهالی نشده است .

### آبادان

#### - تبعید بخاطر عقاید سیاسی

معلمین آبادان را به خاطر اینکه آنها را جپی تشخص داده اند به سایر شهرها تبعید کرده اند .

### اصفهان

#### تراسم کتابسوزان

#### در مرکز دانش!

قبل عناصر ارتجاعی و فالانز به دانشگاه اصفهان می ریزند و پس از کندن اعلامیه ها به کتابخانه های دانشجویی دانشگاه های ادبیات و علوم هجوم برده و کتابهای آنها را به صحن دانشگاه می آورند و به آتش می کشند .

#### - چندی پیش که افراد مرتجع و تحریک شده حمله سازمان یافته خود را به کتاب -

فروشیهای مترقی اصفهان آغاز کرده بودند ، و کتابهای هر کتابفروشی را روبروی مغازه اش به آتش می کشیدند ، در حین ارتکاب با صحنه تمجیب آوری روبرو می شوند . آنها می بینند نوجوانی که تا چند لحظه پیش هرگونه کتابی را بغل می گرفت و بدست آتش می سپرد ، اکنون دارد کتابی را با علاقه خاموش می کند . از او می پرسند : چرا داری کتابرا خاموش می کنی ؟ نوجوان می گوید : آخر کتاب صمد است . آنها سرش داد می زنند ، بند آیسوزد کمونیستی است . و نوجوان می گوید : نه ! کتاب ۲۴ ساعت در خواب بیداری صمد است ، کتاب را با پر خاش از او می گیرند و بداخل آتش پرتاب می کنند . نوجوان چند لحظه به کتابسوزان خیره می شود و بی آنکه حرفی بزند سوار دوجرخه اش شده و دور می شود .

### شیراز

گزارش رسیده که بدنبال تلفات سنگین پاسداران در کردستان و روشن شدن

**رفقا، هواداران!** اخبار مبارزاتی منطقه خود را برای ما فرستید . در صحت و

موقع بودن اخبار نهایت دقت را نموده و تاریخ و مشخصات دیگر خبر را ذکر کنید . ارسال بموقع خبر را حتماً بخاطر داشته باشید .





## جنبش کارگری

### اعتصاب در شرکت "فاستر ویلر-نهران جنوب"

#### مجتمع فولاد اهواز و توضیحی درباره شرکت "فاستر ویلر-نهران جنوب"

پروژه صنعتی مجتمع فولاد اهواز که از اوایل سال ۵۵ کارمونتاز را آغاز کرده است تاکنون در حدود ۶۰٪ کار را پشت سر گذاشته است. بخاطر بزرگ بودن پروژه و دزدیهای زیادی که دست اندرکاران از طریق قرار - دادهای این پروژه با شرکت های مختلف می - توانستند به جیب بزنند آنها با شرکت های مختلفی قرارداد بسته اند و در نتیجه در این پروژه با شرکت های مختلف کوچک و بزرگ روبرو هستیم. شرکت های بزرگ که در پروژه صنعتی صنایع فولاد مشغول بکار هستند عبارتند از "فاستر ویلر" تهران جنوب که شامل چهار شرکت (کورف، لورگی، ا.ج.وای.ال و سوفراسید)، "ماشین سازی" و "مانا".

شرکت های کورف و لورگی و ا.ج.وای.ال و سو - فراسید، هر یک شرکت های جداگانه ای هستند که حول محور کنسرسیومی بنام "فاسترویلر-نهران جنوب" جمع شده اند. افراد رسمی این شرکت ها خارجی بوده و در حدود ۱۷۵ نفر می باشند و بیشتر آنها آلمانی هستند. کورف: یک شرکت آلمانی است که نظارت تمام کارهای صنعتی و غیرصنعتی از قبیل ابراج و استخدام کارگران به این شرکت واگذار شده است. مهندسین و مشاورین صنایع فولاد علاوه بر این کار تابع دستورات خارجی ها هستند. تنها "کورف" بلکه شرکت های "ا.ج.وای.ال" و "لورگی" و "سوفراسید" هم در حقیقت شرکت های هستند که در اصل از آلمان قرار - داد خود را با صنایع فولاد بسته اند و حدود ۸۰٪ از مبلغ تامین شده در قرارداد به این شرکت ها پرداخت شده و ۲۰٪ آن بکول بسه تحویل کار و شروع کار کارخانه شده است که کلاً درازا، دریافت ۸۰٪ از مبلغ قرار داد فقط حدود ۵۵٪ از کار تمام شده است. در قرار - داد شرکت های نظیر "کورف" ذکر شده که چنانچه به عللی از عوامل طبیعی و اجتماعی (منظور شورش های داخلی است) کارمونتاز کارخانه به تاخیر بیفتد تمام خسارتها و

نفعان و عقب افتادن کار بعهده دولت ایران است. و شرکت "کورف" این مدت تلف شده را به حساب کار می گذارد و چنانچه بعد از مدت تامین شده در قرارداد به عللی که ذکر شد کار تمام نشده بود، شرکت صنایع فولاد موظف است قرارداد جدیدی بر مبنای معیارهای روز، دوباره با شرکتها منعقد نماید.

شرکت "کورف" یکی از شرکت های بزرگ پیمانکاری در آلمان می باشد. این شرکت توانسته از طریق قراردادها صنایع فولاد تعداد دیگری از پیمان کارهای کوچکتر در آلمان را نیز در قرارداد پروژه صنایع فولاد سهم کند. مانند "B.B.C" مشغول نصب تابلوهای برق فشار قوی و مونتاژ تابلوهای برق و آسبا، مشغول کارهای ابزار دقیق و دستگاه های کنترل از راه دور. شرکت "فاسترویلر-نهران جنوب" حکم واسطه ای را بین صنایع فولاد و شرکت های ( "کورف و لورگی" "ا.ج.وای.ال" و "سوفراسید" ) بعهده دارد. بدین ترتیب که شرکت "فاسترویلر" واسطه ای است برای تهیه نیروی کارگرانی متخصص برای شرکت های مذکور و حقوق و مزایای کارگران را این شرکت حساب کرده و به صنایع فولاد میدهد و صنایع فولاد طبق لیست رسیده مبلغ پول را برای پرداخت در اختیار شرکت قرار می دهد. در گذشته "فاسترویلر" از این رابطه استفاده های کلانی کرده است، بدین ترتیب که دست اندرکاران پرداخت حقوق همیشه لیست حقوق کارگران را بیش از حد واقعی گزارش می دهند و پول دریافت می کنند.

در یک سال ۵ ماه گذشته ما تا حدود ۱۵۰ عدد کارت کارگری با حقوق های معادل ۵۰۰ تومان در کارگزاری موجود بود، که بناهای مختلف کارگری و تخصص های مختلف نوشته شده بود ولی از کارگران آن در کارگاه خبری نبود. بطوریکه ملاحظه می شود در یک فقره سودجویی در این شرکت در ماه مبلغ ۷۵۰ هزار تومان به جیب مدیران عامل و گردانندگان "فاسترویلر" ... ریخته می - شد. گذشته از این معلوم نیست ما همانند چه مبلغ از طریق فاکتورهای قلابی و قرار - دادهای جدید به جیب می زنند.

### کارگران "سد ایران" مبارزات خود را پی گیری می کنند.

مادر پیکار شماره ۱۷ شرح مختصری از مبارزات کارکنان شرکت حفاری "سد ایران" دادیم. که چگونه کارگران مبارز شرکت بر سر دکان رژیم سابق را که کماکان جزو روسای شرکت هستند، بازداشت کردند تا به

کارگران بر اساس خواستهای انقلابی خود عمل می کنند!

خواستهایشان رسیدگی شود. در آن شماره نشان دادیم که چگونه "مدنی" استاندار فاشیت خوزستان، این قاتل خلق های عرب منطقه، کارگران مبارز شرکت را برای آزادی مزه و روان تحت فشار قرار داده بود. و ضمناً سرخسی، هوشیاری و آگاهی کارگران انقلابی شرکت را بعنوان جزئی از کل انقلابی ترین طبقه یعنی "طبقه کارگر" بازگو ساختیم.

و اینک برده دیگری از مبارزه کارگران این شرکت و بازم فشاری مجدد از "مدنی" استاندار فاشیت خوزستان!

"شورای کارکنان سد ایران" در ادامه مبارزاتش و پس از تحقیق و بررسی ۱۵ نفر از کارمندان و یک نفر را شنیده را بدلیل خوش خدمتی به اربابان خارجی، بدزدی و شک حرمت کارگران، از کار برکنار و از ورودشان به شرکت جلوگیری بعمل آورد.

افراد فوق نسبت به این مسئله اعتراض کرده و به مقامات مشغول از جمله استانداری شکایت می کنند. بعد از این شکایت، استاندار نامه ای بشماره ۲۳۲۵۴ مورخ ۵۸/۶/۲۰ (ش) صادر کرده و در آن "شورای کارکنان" را با تکیه بر قوه تئین کار آریا مهری! فاقد صلاحیت قانونی دانسته و اعلام می دارد که کارکنان بایستی سرکار با زنگنه و حقوق زمان معوقه از کار را دریافت دارند.

این نامه استاندار، خشم کارگران را برانگیخت و آنها اعلام کردند که: "ما شما م قوا از شورا و عملکرد آن دفاع نموده و چنانچه چه افراد اخراجی سرکار برگردند دست به اعتصاب خواهیم زد." در ادامه این درگیری -

ها روز ۲۵ شهریور ۵۸ در ساعت ۹ صبح در وقت شرکت بنام فتحعلی نظرنیا (که از شرکت نفت برای بعهده گرفتن امور به شرکت آمده است) در حضور کارکنان سخنرانی ایراد کرد. او فرحین سخنرانی از کارگران خواست که از کم کاری و تخریب اموال شرکت بپرهیزند و با دلگرمی وظایف خودشان را انجام بدهند. او در ادامه گفت که علیرغم اینکه "شورا" نور چشم ماست ولی قدرت اجرایی نداشته!! و حق اخراج کارکنان را ندارد. او به این دلیل ۱۶ نفر اخراجی بایستی سرکار بازگردند در همین موقع چندین از کارکنان او را افشا کرده و از کارگران می خواهند که از طرف استر برانگنده شده و به حرفهایش که جز بربادی در دستاوردهای شورا نیست، توجه نکنند. چون او قصد دارد شورش که موردتأکید دوهزار نفر کارگر است بی اعتبار سازد. کارگران که بی به مابیت سخنرانی او برده بودند از اطرافش پراکنده شده و در گوشه ای دیگر جمع شده و به سخنان یکی از کارکنان که وظایف شورا را بیان می کرد گوش دادند. سپس با شورا اعلام همبستگی کرده معمم شدند که تا زهر بار فشار از خارج نرفته و مانع از بازگشت کارکنان اخراجی شوند. تا روز ۲۷/۶/۵۸ کارکنان اخراجی، هنوز به شرکت بازنگشته اند.

۵۸/۶/۲۷

(ش) - این نامه ضمیمه است.

### اعتصاب کارگران ماشین سازی پارس (اراک)

۲۸ مرداد - مدت یک هفته است که کارگران این موسسه در حال اعتصاب هستند. دلیل آن عدم پرداخت حقوق است، مهندسین نیز به سرکار نمی آیند. هر کارگر حدود ۱۱ هزار تومان از موسسه طلبکار است.

### شرکت لوشان (اراک)

۲۵ شهریور - بدلیل عدم پرداخت حقوق ۳ ماه، کارگران بدت دو روز روزهی استان - داری تحصن کرده بودند. کارگران در گذشته با دفتر امام تماس گرفته و امام سفارش آنها را به فروهر کرده بود. پس از اینکه کارگران برای گرفتن حق خود بجائی نمی رسند، تصمیم می گیرند که دسته جمعی به تهران بروند و حتی در روز شنبه هم به این منظور شده بودند، لکن از طرف آقای دیباچی ( نماینده امام ) از این کار جلوگیری شده و نسبت به پرداخت حقوق یک ماه اقدام می شود.

کارگران این شرکت نسبت به فتوحی که نماینده وزارت کار است و با صاحبان این شرکت ( صفائی و محتشمی ) که از سرمایه داران بزرگ هستند روابطی دارد، بسیار بدبین شده اند. همین طور چون فتوحی کارگران شرکت آوانگان را از کار بیگار کرده - است کارگران از او متفرقند.

میکروفن رفته، بعد از انتقادات زیاد از شورا و نحوه پیگیری خواستهای کارگران از طرف شورا، یک سخنرانی طولانی می کند که مورد تاشید کامل کارگران قرار میگیرد. او سپس برای برآوردن خواستهای کارگران به مسئولین شاهنشیه ۲۷ شهریور فرست می دهد و اعلام می کند که در صورت برنیاوردن خواست کارگران که تا آنروز دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران که تا آنروز همچون آتش زبر خاکستر بودند اعلام می کنند: " ما از همین حالا اعلام اعتصاب می کنیم " و از همان ساعت دست از کار می کشند. این کار مورد مخالفت عده ای از نمایندگان غذاکارگر قرار میگیرد. ولی کارگران که مصمم بودند، به اظهارات آنها توجه نمی کنند.

در روز سه شنبه همین نمایندگان غذاکارگر به میان کارگران آمده و با حربه های چسبند و معمول خود که " دولت ضعیف می شود، کمو - نیستی " از کارگران تاروز شنبه مهلت می گیرند. تعدادی از خواستهای کارگران به شرح زیر است:

- ۱- تغییر حق مسکن از ۲۴۰۰ ریال مجردی و ۳۴۰۰ ریال متأهلی به بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال
- ۲- تعدیل شغلی کارگران
- ۳- پرداخت اضافه حقوق کارگران. ۱۰ ماه است که اضافه حقوق کارگران عقب افتاده.

بقیه در صفحه ۱۱

مدنی بر اساس خواستهای ضد انقلابی و قوانین آریا مهری استدلال میکند!

شماره: .....  
تاریخ: .....  
پست: .....



سرپرستی شرکت سد ابران - سد گنو.

شانزده نفر از کارگران آن شرکت باستانداری مراجعه و شکایت کرده اند که از طرف انفرادی بنام شورای اسلامی کارکنان سد گنو - سد ابران از کار بگریزیدند و آنان خانه داده شده است و وضع حقوقی آنان متزلزل و وضع معاششان که هر یک چندین سال سابقه خدمت و کسار داشته اند مختل گردیده است.

بموجب قوانین کار که در دست اجراء است اخراج انفرادی مشمول قوانین جز مجرب دستورالعملهای معینه و جز بوسیله انفراد استولی که در قوانین کار ذکر شده و محدود اختیارات و وظائف مدبران مسئولان شغلی نمیگردد، ممکن نیست و لذا چنین شراشی که اصولاً تشکیل آن پایه و اساس - تائیدی ندارد نمی تواند تصمیم با اخراج کارگران و کارمندان بگیرد و حقوق آنان را قطع و یا مبادا آنها را در یکی احوال کند که بموجب قوانین در دست اجراء قد چنین اختیاراتی است.

لذا برکاری شانزده نفر فوق الذکر با اساسی آتاهان این بابایان، مستدعی لیسری، بشی الله باوری، هرمز - ترکی، رستم بهرچشماری و این کتانی و غیره میرد تائید استناداری نمیباشد و این افراد باید بگریزیدند و راه دهند و حقوق ایامی را هم که بر اثر تصمیم شورا بر کار ماضی شده اند در زمانت دارند. هرگاه موسس برای برکاری یک یا چند نفر آنان وجود داشت و مقامات مسئول و مشاور شرکت تصمیم با اخراج آنان گرفتند مراتب را با تذکره و ظل برکاری باستانداری اعلام سپس نسبت به برکاری آن افراد در حد و شرایط و وسایلهای جاری (قوانین کار و ایستامه های

۲۲۲۰۰ مریه ( اندام نمایند.

روزنامه استانداری خوزستان

روینت بگاردان اخراجی ابلاغ میگردد که بر سر کار خود بازگشته و حقوق ایام نسبت خود را هم که بر اثر تصمیم شورا در شرکت حاضر نشدند بپردازند و در زمانت دارند.

### کارگران مبارز صنایع فولاد تا تحقق کامل خواستههایشان به مبارزه ادامه می دهند.

دهد. او مطرح می کند که: شورا در اطاق - های در بسته تصمیم می گیرد و حتی چند دفعه بدون اطلاع من که نماینده کارگران " کورف " هستم جلسه تشکیل داده و این خود نشان می - دهد که تصمیم درخفا و بدون اطلاع کارگران گرفته می شود.

بعد از این سخنران یکی از کارگران من از میان جمعیت بلند شده و فریاد می زند: " ما دیگر گول تبلیغات کارفرما و عواملش را نخواهیم خورد. هر وقت ما برای گرفتن حق خود جمع شدیم فوراً طرفداران کارفرما گفتند که: " اینها کمونیست هستند " و با " کمونیستها " و بغد انقلاب در شما ریخته کرده " ماهه با هم برادرم. ماهه کارگریم و دیگر گول حرفهای کارفرما را نمی خوریم. بگذا ر کمونیست باشیم ولی حقمان را بگیریم ". صحبتهای این کارگر که با شور و هیجان بیان می شد مورد تاشید کامل بقیه کارگران قرار می گیرد. سپس یکی از نمایندگان " لورگی " پشت

کارگران مبارز " فاسترویلر " پس از قیام شکوهمند توده های زحمتکش که خود شرکت مشاور و فعالی در آن داشتند، بر کار با زنگشته و خواسته های خود را در ۲۸ مورد به مسئولین اراشه دادند. ولی تا کتون کوچکترین اقدامی در جهت تحقق این خواستها بعمل نیامده است. و هر بار که کارگران بقصد پیگیری خواستهایشان مراجعه می کردند، از طرف عوامل ضد کارگری " شورا " و مسئولین امر به آزارش و ... دعوت می شدند، مبادا که دولست جمهوری اسلامی تضعیف شود. تا در تاریخ ۵۸/۶/۲۵ و اس ساعت ۸ صبح به دعوت " شورای کارگران فاسترویلر " خود ( ۱۰۰۰ ) هزار نفر از کارگران از قسمتهای مختلف کارخانه در جلوی آفیس ( دفتر شرکت ) جمع می شوند. ابتدا یکی از نمایندگان به طرفداری از شورای کارگران صحبت می کند و سپس نماینده دیگری برعکس اولی ماهیت شورا را افشاء کرده و تمهد و وفاداری خود را نسبت به کارگران نشان می -

### گزارشی از "خروش کارگر" هوادار سازمان

گزارشی از حسن کارگران غیر رسمی "هوا بهمانی ملی ایران"

بغضال بی نتیجه ماندن مذاکراتی که کارگران غیر رسمی سمتهای مختلف هوا بهمانی ملی ایران با تاسم شکیب نیا، مدیر عامل این شرکت نامتدد، کارگران مبارز، تصمیم گرفتند تا برآورده شدن خواستههای بنیادگانه خود از تاریخ ۵۸/۷/۲۱ در جلوی اداره مرکزی این شرکت واقع در فرودگاه متحصن شوند.

از آنجا که هیئت حاکمه کنونی حد اعتبار را "غیر قانونی" و عملی "خدا نقلابی" اعلام کرده است و با برجیبهای چون "اغلاگری" و "توطئه گری" این حق مسلم طبقه کارگر را از او غصب نموده، لذا کارگران مبارز هوا بهمانی ملی برای علی صلح کردن عناصر ضد کارگری از این "حربه" تصمیم گرفتند که بعد از ساعات کار در گروههای ۲۰۰ نفری متحصن شوند. بدین ترتیب که آنهاست که در هیئت تیب کار می کنند روز بعد متحصن شوند و آنهاست که روز کار می کنند عیب به حسن انامه دهند. البته کارگران قبلا به مدیر عامل و "وزیرای کارکنان هوا بهمانی ملی ایران" که از چندی پیش با نفوذ عوامل مدیر عامل در آن و تبلیغ کارگران انقلابی از آن بیورث عوراثی شد کسارگری در آمده است، هشدار دادند که حسن آنها به این شکل فقط تا مدتی محسود انجام میگردد و پس از آن (که تاریخ را بهنگام معلوم خواهند کرد) این حسن تبدیل به اعتمادی همگانی بدل خواهد شد که مسئول عواقب آن لفظ و فقط مدیر عامل شرکت می باید.

خواستههای بنیادگانه کارگران مبارز متحصن عبارت است از:

- ۱- رسمی شدن تمام کارگران غیر رسمی
  - ۲- اعراج عناصر ضد کارگر و مرتجی که قبلا با رژیم شاه عائن همکاری مستقیم داشته اند و در سرکوب کارکنان مبارز شرکت نقش عمده را بازی کرده اند و مانند وزیر و بهنام ملکی و ...
  - ۳- مسافرت اموال "تیمار عانی" معلوم، مدیر عامل شرکت در زمان رژیم شاه مژور
  - ۴- برنگرداندن "ناظمی" عائن به شرکت
  - ۵- پرداخت حقوق عادلانه به سه نفر از کارگرائین که در زمان رژیم وابسته به امیرالهیسم شاه عائن چندین سال از عمر خود را در زندان اوین و زیر شکنجه گذرانده اند.
- در جریان متحصن تیب عده ای از کارگران آگاه اعلامیه ای در میان کارگران پخش کردند که بهنگام توسط افراد مستتر وابسته به کمیته فرودگاه جمع آوری گردید. بهنگامی از اعلامیه را در زیر ماوریم:

ما چاره ای جز مبارزه نداریم

ما کارگران زحمتکش، ما که هرروزه استثمار را با پوست و گوشت و استخوان و رگ و پهی خود لمس میکنیم، ما که هر لحظه توسط سرما به نار ان عمیره جانمان میکشد عده و به لیدگیمهای سرما به سرازیر میشود، ما که نه نان داریم و نه مسکن و نه آزادی، ما که از حد اعتبار این حق مسلم طبقه کارگر، توسط هیئت حاکمه کنونی محسور عده ایم..... هیئت حاکمه ای که نه مولود به ثمر رسیدن انقلاب دیوکراتیک و شنا مبرالهیستی خلقی ما بلکه حامل نیمه کار ماندن آن و سازش امیرالهیسم با بیورژوازی لاهورک و نمایندگان خرده بیورژوازی مرده بوده است..... این جریان به تا روزی که ما (تمام کارگران و زحمتکنان ایران در هر کارخانه و مؤسسه و شرکت و کارگاه و ..... آگاهی طبقه ای بخت نیاورده ایم، تا روزی که اداره امور و در نتیجه سرنوشت خود را در دست دگرگرفته ایم مانده نارد. چرا که هیئت حاکمه کنونی

نه میخواهد و نه میخواهد کوچکترین قسمی در راه بهبود وضع اقتصادی- سیاسی- اجتماعی خلق ما- بطور اعم- و طبقه کارگر- بطور اخص- برنارد..... ما چاره ای جز مبارزه نداریم..... ما چاره ای جز متحد شدن، متشکل شدن، آگاه شدن به منافع و رسالت طبقه ای خود نداریم..... ما کارگران باید در پی ایجاد تشکلهای بخت عسود و

از میان عسود و پیرای عسود باشیم. مستحکم تر باد اتحاد، همبستگی پولادین کارگران فرود بر کارگران مبارز هوا بهمانی ملی ایران

عشرون کارگر

هوادار "سازمان پیکار" در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۷/۲۸

- بقیه از صفحه ۱۰
- ۴- داشتن کانتینر غذا خوری در محل کارگاه.
  - ۵- پرداخت ۷۵۰۰ ریال ماهانه ( ماهیسه - التفاوت دستمزد ها ) همچون بقیه کارگران مخصوصاً کارگران نفت.
  - ۶- گذاشتن ۴ آمبولانس در ۴ منطقه از کارگاه.
  - ۷- مجهز بودن اورژانس بهداشتی واقع در محل صنایع فولاد، اعم از دکتر و پرستار.
  - ۸- کسر نکردن مالیات از حقوق کارگران.
  - ۹- در اختیار گذاشتن وسایل ایمنی مجهز جهت کار.

بقیه از صفحه ۱۲

#### دربانک ملی ایران چه می گذرد

ایشان پلی می شود بین دولت بازرگان و دارودسته رهبری کننده بانک ملی که همگی از دست نشانندگان رژیم قبلی اند. جناب افجه ای این موقعیت با آورده را که نه بر اساس ملاحظیت خود، بلکه "به برکت" رابطه اش با بازرگان بدست آمده، مفتحت می داند و به جای طلبی می پردازد. آقای شرکا هم آگاهانه روی این غفلت ایشان انگشت می - گذارد، بطوریکه یک دفعه افجه ای را از گروه ۱۲ به گروه ۱۴ (آخرین گروه ترفیبع در بانک ملی) ارتقا می دهد و بمنوان مشاور مخصوص خود (دومین مقام دربانک ملی) منصوب می کند. و آقای افجه ای هم به خدمت متقابل می پردازد و چنین است که آقای شرکا، تا همین چندروز قبل و دارودسته - اش تا امروز موقعیت سابق خود را دربانک ملی حفظ کرده اند. جالب توجه است که عده ای از کارمندان فرصت طلب بانک ملی، تحت نام "انجمن اسلامی کارکنان بانک ملی ایران" این قبیل اقدامات آقای شرکا را ستوده و ضمن پشتیبانی از وی خواستار ابقا او شدند و از بابت این غشوقشی ها چه مقام ها و ترفیبع ها که بدست نیاوردند!

وقتی همکارها و خیانتهای آقای شرکا در دماگاه خوش کیش فاش می شود، و از طرف دادستان انقلاب متنوع الخروج اعلام می گردد، وی متوجه می گردد که دیگر درنگ جایز نیست. و وقت آنست که از بسذل و بخششهایی که از کمیسه مردم کرده، نهایت بهره برداری را بکند و در این رابطه چه کسی بهتر از افجه ای! اینست که او را جلومی - اندازد و پیش بازرگان می فرستد. افجه ای نزد بازرگان وساطت می کند که: چنین است و چنان است و آقای شرکا مجبور است به خاطر پیشرفت امور بانک و برای ارتباط با بانکهای خارجی به عنوان ما موریت به انگلستان سفر کند، و چنین است که ترتیب سفر توسط آقای بازرگان داده می شود و ایشان اجازه می باید از مرز "بازرگان" عبور کند. اکنون پیش از یکماه از عزیمت وی گذشته است و تازه حالا معلوم شده که دیگر بهیچ وجه قصد برگشت ندارد. شرکا اینک با ارزی که غارت نموده و خارج کرده نزد اربابانش گریخته است. فرار او یکبار دیگر نشان داد که چگونه مبارزات خلق ما بهیاز گرفته می شود!!

بمناسبت نهمین سالگرد سپتامبر سیاه ۵۵۵

جنگ در قاره تشکیل شد. منجر به عقب نشینی نیروهای فلسطینی از اردن گردید. بیرون کردن انقلابیون فلسطینی از اردن، انقلاب را از یکی از مناطق مهم پایگاهی خود که برای آن جنبه حیاتی دارد محروم نمود.

در اینجا فرصت بررسی علل و نتایج این درگیری وسیع و این شکست دردناک نیست و همینقدر به اختصار می توان افزود که عدم تناسب بین خلق بسیج شده از یکطرف و توان ناشی رهبری از سوی دیگر و همچنین نتایج در صفوف جنبش مقاومت و بالاخره عدم پیوند محکم بین انقلاب فلسطینی و توده های اردنی از علل مهم این شکست بودند.

فلسطینی ها هرگز اهمیت بازگشت به اردن را از یاد نبرده اند! این منطقیه پایگاهی بدلیل وجود مدها هزارتن از مردم فلسطین که ساکن اردن هستند و نیز بدلیل چند صد کیلومتر مرز بین اردن و اسرائیل منطقه ای حساس و حیاتی برای انقلاب محسوب می شود. هم اکنون هسته های مخفی انقلاب فلسطین در اردن فعالیت دارد اما راه های آن که برای بازگشت به اردن ارائه و انجام شده هیچیک تا کنون به احیای شرایط پیشین نیانجامیده است.

سپتامبر ۷۰ که به سپتامبر سیاه معروف شده ( و یک گروه انقلابی فلسطینی عملیات ویژه و مسلحانه خود را تحت این نام انجام می داد) یکی از سرفلهای تاریخی مبارزات خلق فلسطین محسوب می شود و داغ تنگی است بر پیشانی ارتجاع و امپریالیسم داغ تنگی که هرگز از زمین نخواهد رفت.

ما بدین مناسبت همبستگی استراتژیک بین خلفهای ایران و فلسطین را مجدداً تأکید می کنیم و پیمان می بندیم که مبارزه را دو شاخه خلق قهرمان فلسطین تا نابودی کامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع در منطقه ادامه دهیم. ■

★ ★ ★

### درواه آزادی

خلق فلسطین صلیب خود را بدوش می کشد  
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد  
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد  
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد



نوبا و گان فلسطینی در حال اجرای یک نمایشنامه انقلابی

و طرح نظامی باید پیاده می شد. ارتش ملک حسین که عمدتاً از قبایل بدوی وفادار به خاندان سلطنتی تشکیل شده است باید این طرح را پیاده می کرد و وظیفه سرکوب انقلاب فلسطین را بعهده می گرفت. در آنروزها پایه های تخت ملک حسین در زیر فشار توده های اردنی و فلسطینی که خواستار ایجاد یک حکومت ملی و مترقی در اردن بودند می لرزید. تماشای دیپلماتیک بین آمریکا و اسرائیل و اردن و دیگر مرتجعین عرب شدت یافت (این تماشا از پشتیبانی سیاسی و نظامی بیدیع شاه خائن نیز برخوردار بود). و این در حالی بود که هر روز حملات وسیعی علیه اسرائیل و امپریالیسم جهانی و ارتجاع عرب به وقوع می پیوست.

ارتش دست نشانده اردن چندین بار درگیری های مرزی بوجود آورد که رهبری انقلاب کوشید از امتدادن بدام درگیری های وسیعتر جلوگیری کند اما در ۱۷ روز سپتامبر تهاجم وسیع آغاز گشت و ارتش اردن - گاه فلسطینی " وحدت " را که هزاران تن از " آوارگان " فلسطینی در آن کتی داشتند به توبیخت. پیش از یک هفته پایتخت اردن و شهرهای مهم و مناطقی که قدا نشان فلسطینی در آنها پایگاه داشتند در زیر باران گلوله - ها قرار گرفت مقاومت و قهرمانیهای خلق فلسطین در مقابل با این تهاجم وحشیانه در تاریخ کم نظیر است.

ارتش تلفات فراوان داد و یک لشکرکراز آن به انقلاب پیوست. انقلاب از لحاظ نظامی شکست نخورد و سراسر شمال اردن و قسمت اعظم پایتخت در دست نیروهای انقلاب باقی ماند. اما فشارهای دیپلماتیک و به مذاکره کشاندن رهبری انقلاب تحت نظارت کنفرانس سران کشورهای عربی که به منظور پایان این

و بقول یاسر عرفات ۲۵ هزار تن از مردم ستم دیده و قهرمان فلسطین در اردن به خون خود در غلطیدند! این کشتار عام که بقول یکی از رزمندگان فلسطین میتوان آنرا " اجرای حکم اعدام درباره یک خلق " نامید، برای بزاتو در آوردن خلقی بود که علیه غمگوهایی مشکلات، بردشتمان تا دندان ملحق و "دوستان" غدار خود شوریده است تا حق خویش را در بازگشت به وطن از حلقوم آمریکا و اسرائیل و ارتجاع عرب بیرون کند. حکومت دموکراتیک فلسطین را بر سراسر خاک اشغال شده میهن، پایه ریزی نماید.

پس از ژوئن ۱۹۶۷ و شکست مفتضحانه رژیمهای عربی از اسرائیل، خلفهای عرب به انقلاب فلسطین روی آوردند. انقلاب اوج گرفت و با نیروی سلاح و سازماندهی و مقاومت کم نظیر خود مرزها و دره های بسته را بروی خود کشود و در کشورهای متعدده عربی منجمله در اردن پایگاه های وسیع نظامی و سیاسی دائر نمود. عملیات مسلحانه علیه اسرائیل - بخصوص از خاک اردن - وسعت بی سابقه یافت و پیروزی انقلاب فلسطین در شب " الکرانه " در مارس ۱۹۶۸ (نوروز ۱۳۴۷) بر نیروهای مهاجم اسرائیلی، زنگ خطر، خطر گسترش جنگ توده ای در ازمدهت علیه اسرائیل و آمریکا را در منطقه بجا آورد.

ارتجاع عرب - بویژه ملک حسین - بر خود لرزید. اما ارتجاع را برای مقابله با این موج عظیم انقلابی توده ای نبود. ادامه جنگ فرسایشی از طرف مصر علیه غمگران کارآئی نسبی اش، برای ناصر بسیار گران تمام می شد و او ماهیتاً تحمل آنرا نداشت و ناگزیر به طرح " راجرز " (وزیر خارجه وقت آمریکا) که مذاکره با اسرائیل را پیشهاد می کرد تن در داد. فلسطینی ها که آنروز - ها در اوج قدرت نظامی و سیاسی و تسوده ای خود بودند سرخستانه با این طرح مخالفت کردند و حتی با عبدالناصر " یاور " بزرگ خویش در افتادند. کمال ناصر، شهید بزرگ فلسطین، که در آنزمان سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطین بود در میتینگ عظیمی که برای محکوم کردن طرح راجرز در عمان برپا شده بود اعلام کرد:

" علیه احترامی که به جنگ فرسایشی مصر با اسرائیل می گذاریم اجازه دخالت در سرنوشت ما را به کسی نمی دهیم و طرح راجرز و هر توطئه دیگر نظیر آن را راه نمیکنیم."

وضع برای فلسطینی ها در اردن بحدی مساعد بود که یاسر عرفات اردن را " هانوی انقلاب فلسطین " توصیف می کرد.

اما ارتجاع عرب و سازشکاران، دیگر به انتهای خط رسیده بودند و می بایست جلوی این نیروی توفنده را می گرفتند. توطئه های سیاسی به تنهایی کارگرمی افتاد

## یاد شهیدان راه خلق احسن و شهریار ناهید گرامی باد

یاد شهیدان راه خلق احسن و شهریار ناهید - گرامی باد

رفیق علی احسن ناهید در سال ۱۳۳۶ در سنندج پدینا آمد. سال ۱۳۵۲ در رشته مهندسی شیمی دانشکده پلی تکنیک تکمیلات دانشگاه خود را آغاز کرد. در طی این دوران رفیق یکی از مبارزین صریح و پر شور ستگردانشگاه برعلیه رژیم مزدور شاه خاش بود و در فضا - لیتهای منفی و سازماندهی اعتراضات دانشجویی نقش ارزنده ای بعهده داشت.

رفیق احسن در مبارزات قهرمانانه مردم در یکسال پیش از قیام از سازماندهی نظرات خیا بانی دانشجویان گرفته تا شرکت در نشریه های مطبوعه روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه، همواره نقشی فعال داشت. پس از قیام احسن به زادگاهش کردستان برگشت تا در کنار خلق دلآوردش برای ایجاد کردستانی خودمختار در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک به مبارزه ادامه دهد. (م) در راه این هدف در دفتر هواداران سازمان ج - ف - خ در سنندج به فعالیت پرداخت. رفت و آمدهای پیاپی رفیق به روستاهای اطراف برای بسیج و سازماندهی دهقانان در مقابل فئودالهای محلی، پیوند او را با دهقانان شمدیده هرچه بیشتر مستحکم میکرد. تا اینکه چند روز قبل از ورود ارتش به سنز، دهقانان روستای کپرتو که در اتحادیه های دهقانی تشکیل شده بودند هنگام برداشت محصول مورد حمله مطبوعه فئودالها قرار می گیرند. آنها تلفنی به مهاجد خبر می دهند و باری می طلبند. بدستال این خبر یک تیم ۴ نفره به باری دهقانان می شتابند که درون فراق آنها رفیق احسن و برادرش رفیق شهریار بودند. در بدو ورود، فرمانده تیم، بنام رفیق حبیبی شهید می شود و بقیه در محاصره قرار می گیرند. در حین درگیری رفیق احسن از ناحیه پا زخمی می شود و توسط فئودالها که حالا دیگر پاسداران هم بکمکشان آمده بودند دستگیر می شوند.

بقیه موفق به فرار می شوند، اما رفیق شهریار برای کمک به برادرش که زخمی اسیر شده بود (علیرغم توصیه اوبرفتن) می ماند و او هم اسیر می شود. رفیقای دستگیر شده را به سنندج می برند و ساعت ۴ روز دوشنبه ۵۸/۶/۵ بهمراه عده ای دیگر از همزمانان و بدستور حجت الاسلام روانی (خلعالی) به جوخه آتش سپرده می شوند. برای ثبت در تاریخ گفتنی است که چون پای رفیق احسن درنگ بود و نمی توانسته با بسته بهنگام تیرباران به همزم و برادرش تکبیه می کند تا دشمن او را زبون نیندند.

(م) - در پیکار شماره ۱۸ ( ویژه نامه کردستان ) بازگفت رفیق به کردستان خانوادگی معرفی شده بود که بدین وسیله تصحیح می - شود.

## هیئت حاکمه چه کسانی را بعنوان ضد انقلابی در کردستان تیرباران می کند!؟

بخلق بود و بهمن که بحق، سراسر وجودش از عشق به محرومان آکنده بود، بهمن جرم در چهارم شهریورماه به جوخه اعدام سپرده شد. در روزنامه اطلاعات نوشتند که او در وقایع ۲۳ تیر مرهوان دست داشت.

زهی بهتر می و دروغ، همه می دانند که بهمن در ۲۳ تیرماه اعلام را کردستان نبوده است. او هفتم مرداد در دانشکده حضور داشته، که پس از خداحافظی با رفقاییش، به همراه اکیبهای پزشکی به کردستان رفته و بنا بر این نمی توانسته در آن تاریخ در آنجا باشد. چرا ارتجاع پوسیده این چنین به دروغ متوسل می شود؟

ارتجاع جنگ تا برابر ونا جوانمردانه - ای را که بر خلق کرد تحصیل کرده، فقط و فقط با دروغ می تواند توجیه کند. توفیق مطبوعات و برقارای سانسور شده، منظور پنهان کردن حقایق از مردم، صورت گرفته و رادیو - تلویزیون با پخش اخبار دروغ و تحریف و بد وقایع، به بلندگوی ارتجاع تبدیل شده این چنین است که بهترین رزمندگان خلق، با اتهام واهی تجزیه طلبی و وابستگی به حزب دموکرات، به جوخه آتش سپرده شدند. راه سرخ بهمن پاینده باد.



غروب بکشینه او را بجوخه آتش سپردند  
اورا که نه غمخوری داشت و نه مصلحتی  
چرا که دلی تنیده داشت  
و پایی راهوار  
او ایستاد و مرگ در برابرش زانو زد  
بر تنه های کردستان  
اینگ خزان زودرس  
فشانده برگهای زردش را  
نامش چونان بهار تکرار می شود  
و چنانی فراموش نخواهد کرد  
که او را به جوخه آتش سپردند  
در غروب بکشینه تابستان

رزمندگان آزادی طبقه کارگر

۵۸/۶/۲۵



رفیق بهمن احقری، دانشجوی مبارزی که همواره قلبش از آتش شوق خدمت به خلق گرم بود، بدست مرتجعین چناینگار، به جوخه آتش سپرده شد. او که دانشجوی آزادی رفته نشأت دانشکده هنرهای زیبا بود، نشأت را وسیله ای میدانست برای آگاهی دادن به توده ها. نشأت، در نهایت برای او صحنه ای بود که بتواند آرمانها و افکارش را به مردم القا کند. عشق به خلق او را به زندگی در کنار محرومترین قشرهای اجتماع کشاند و مدتها در فقیرترین محلات جنوب شهر و کارخانه ها به کار پرداخت. این دوره از زندگی، به پیوند عاطفی او با زحمتکشان عمق بیشتری بخشید. با شرکت در مبارزات توده ها، برای سرنگونی رژیم خاش پهلوی، برای عملی در مبارزه سیاسی گام نهاد، و در عین حال با ترتیب دادن نمایشنامه و بازی در نشأت دانشجویی، به اعتلای فرهنگ مترقی در دوران انحطاط فرهنگی پرداخت.

رفیق بهمن جوان پرشوری که احساسات عالی خود را نسبت به زحمتکشان، در هر قالب و شکلی بیان می کرد، با سرودن شعر و داستان نویسی، به بیان رنجها و مرارت های مردم می پرداخت. او عاشق کار بود و از کار سخت و توانفرسا خسته نمی شد. دوره نظام وظیفه را در سپاه بهداشت با کمک به روستائیان گذارند و کمکهای پزشکی را در همین جریان، آموخت. او که مبارزی سنگینی ناپذیر در راه خدمت به آرمان رنجبران بود، در پی بسیج دانشجویان برای کمکهای درمانی و سازندگی، به همراه اکیب پزشکی به کردستان گرفت و در ساختن درمانگاه برای روستائیان شرکت کرده و به کمک اتحادیه های دهقانی شناخت. روستائیان فقیر و زحمتکش کردستان که بار سالها محرومیت و ستم فئودالها و سرمایه داران وابسته را بدوش داشتند بهمن را یکسره پایبند خود نمودند و او که در آرزوی خدمت بخلق بود، بگفته یکی از دوستانش، گاه در شبانه روز فراموش می - کرد که بخوابد. در کنار کار برای احداث درمانگاه و کمکهای پزشکی، با ترتیب دادن نمازگاه و نمایش فیلم برای روستائیان از فعالیت فرهنگی نیز غافل نمی شد. در این دوران، بهمن برآستی شاد بود.

ارتجاع و عوامل امپریالیسم که در جهت سرکوب جنبشهای خلق، سوبزه زحمتکشان کرد دست در دست پلیدترین عناصر بومی، یعنی فئودالها، قباذه موقت، سرسپردگان رژیم گذشته و آخوندهای مرتجع گذاشته بودند، با نقشه قبلی به کردستان پورش بردند. در پی هجوم به کردستان و کشتار خلق کرد، دادگاههای به اصطلاح انقلابی، مبارزان را دستگیر کرده و بجرمهای واهی به جوخه اعدام سپرد.

معیار خلغالی در اعدام انقلابیون و مبارزین، فقط و فقط میزان وفاداری آنها

**حنای عوامفریبان بی رنگ است**

بمداز ها هو و جنجالی که هیئت حاکمه دربارہ " کشف توطئه در کردستان " و با افشای " ماجراهای پشت پرده " براه انداخت ، محمد مگر کی غیر رژیم در شوروی با ادعای اینکه پرونده قطوری مربوط به اوضاع کردستان دیزیر بخل دارد ، از راه رسید. وی در نمایشات از پیش تنظیم شده ای که تحت عنوان " معاصبه مطبوعاتی و به اصطلاح برای پرده برداشتن از " توطئه های پشت پرده " ، با چند روزنا مه - نگار برگزار کرد ، هرچه در دهشتناکته و پیرداخته بود ، بیرون ریخت . " مدارک " ادعای مگر کی ، که همچون سردمداران رژیم بد طولانی در پرت و پلا گوئی دارد ، بریده هائی بود از روزنا مه های مختلف غربی که هیچ چیز را نشان نمی داد ، مگر افلاں و ورنسنگی این آقا یان را که برای فریب مردم بهر چیزی چنگ می اندازند. وی بالاخره بمداز اینکه آسمان و ریسمان را بهم بافت ، در پایان همانطور که پیش - بینی می شد ، امپریالیستها و صهیونیستها را عامل اصلی وقایع کردستان قلمداد نمود که چون با " انقلاب اسلامی " دشمنی دارند ، چنین بلوا هائی را براه انداخته اند ! آری ، اینان در حرف به امپریالیسم و صهیونیسم حمله می کنند تا در عمل به حفاظت بر غیرزند . ضمناً از این طریق هرگونه مدای مخالفی را با صل کردن آن به امپریالیسم و صهیونیسم ، سرکوب می کنند . البته در اینکه امپریا - لیسم در شلور ساختن آتش جنگ در کردستان دست دارد ، نمی توان تردیدی داشت و ما نیز بر همین عقیده ایم ، لیکن یقین داریم که عوامل امپریالیسم را بر مبنای شواهد و دلایل متعدد موجود نه در صف خلق ستم دیده کرد که در ترکیب رژیم و بویژه در اساس اهرمهای قدرت دولتی باید جستجو نمود . آری ما نفوذ و حضور امپریالیسم را در هیئت حاکمه با بر کماری خود فروختگان و عناصر متکوکوی چون شاکرها و فلاحی ها و چمران ها در اساس ارتش و پاداران بعینه می بینیم ، حال بد نیست نگاهی همه برخی از " مدارک " آقای مگر کی بیاندازیم . وی در گفتگوئی با روزنامه اطلاعات که در تاریخ ۵۸/۶/۲۷ منتشر شد ، " مدارکش " را رو کرد که نمونه هائی از آنرا می آوریم . توجه کنید : چند روزنامه خارجی " ارتش و کمیته انقلاب را متهم می سازند که دست به جنایات زدند و کردها فقط از خود دفاع کردند . " این شد یک " مدرک " . و با " دقیقاً ۱۵ روز قبیل از انتخابات مجلس غیرگان ، جنگ کردستان در

منطقه مرهوان بوقوع می پیوندد . " و " مدارکش " از این قبیل . آری اینست " مدارک " افشا گرانه آقای مگر کی ! لکن آن خط برجسته ای که در سراسر گفته های وی دیده می شود ، کوی شتی است که برای خدامپریالیست و صهیونیست نشان دادن رژیم بخرچ می دهد . آقا یان شما بیهوده می گوئید ، خود را به دروغ دشمن امپریالیسم و صهیونیسم معرفی کنید ، وقتی که بعنا به عامل سیاست های آمریکا مدوش او در افغانستان عمل می کنید ، بیهوده می گوئید خود را دشمن امپریالیسم و صهیونیسم وانمود کنید ، وقتی که آشتی ناپذیرترین دشمنان آنها یعنی کمونیستها را آماج حملات خود قرار داده اید . آری شما چه بخواهید و چه نخواهید به امپریا لیسم خدمت می کنید . و اینکه این خدمت را در زیر لوای " مبارزه با امپریالیسم " انجام دهید ، چیزی از ما هیئت خدانتان نخواهد کاست .

**در هفته ای که گذشت**

حال شما بگوئید تا جنابهای خود را در کردستان بحساب مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بگذارید ، همه زورتان را بزنید تا بورژوا مطبوعات و آزادیهای دموکراتیک و نگار انقلابیون را ملاک " انقلابی " بودن نشان جا بزنید . آری بگوئید - همچنانکه می گوئید - سراسر کردستان را چون روستا - های " قارنه " و " کانی مام سید " که هفتاد زن و کودک را بدست تفنگچی ها بتان قتل عام کردید ، به ویرانه بدل کنید و خود را " فد امپریالیست " بخوائید . مبارزین و انقلابی - بیون کرد را بی محابا به رگبار مسلسلها بتان بپندید ، که می بندید . و دهات را بمباران کنید و خلق ستم دیده کرد را به آتش و خون بکشید ، که می کشید . و سپس در مورد مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم رجز خوانی کنید . لیکن مطمئن باشید بنائی که بر پایه دروغ و ربا استوار باشد ، تاب مقاومت در برابر حتی نسیمی را نخواهد داشت . آنچه که در کردستان می گذرد ، بدلیل سانسور و خفغان موجود ، کمتر بگوش مردم می رسد . لیکن حقایق را می توان حتی از لابلای اظهارات مقامات دولتی بیرون کشید . هم اکنون در شهرهای کردستان ، سفاردهاران

به ارتشی ها و پاسداران چیزی نمی فروشد زن و کودک کرد وقتی که در کوچ و خابان با نظامیان و پاسداران مواجه می شوند صف می کنند ، گاه حتی بروی آنها ، شهرهای کردستان اکنون به صحنه تظاهرات با کوهی علیه هیئت حاکمه و در اعتراض به دستگیری و اعدام مبارزان ، در اعتراض به سبباران روستاها و ... تبدیل شده است . نظامی ها و پاسداران شها نیز از دست عملیات ابدائی خلق کرد ، خواب راحت ندارند . پاسداران دسته دسته فرار می کنند و با همچون نظامیان آگام و انقلابی از اروپا - روئی با خلق کرد امتناع می ورزند . و این همه در حالی است که خلق کردها همچنان ممانه برای کسب حقوق ملی خود یعنی حق خودمختاری پایداری می کنند .

**دیوار حاشا بلند است**

دولت از ابتدای موجودیت خود ، برای مقابله و سرکوب خلق ستم دیده کرد به فتوادل های منطقه ، مزدوران قبیله موقت و خاشنی از قماش مفتی زاده تکبیرده و بویژه در مسلح کردن فتوادلها از هیچ کوشی فروگذار نکرده است . بدیهی است چنین خیانتی نمی توانست از دید مطبوعات متمهد ، که هنوز در محاق شوقف نبود ، پوشیده بماند . و چنین بود که دولت میکوشید با قسم و آیه ارتباط خود را با فتوادلها منطبق و مسلح کردن آنها را انکار نماید . در هفته ای که گذشت خبری در روزنا مه ها منتشر شد که نشان میدهد دولت چگونه دست در دست فتوادلها بر علیه خلق کرد توطئه چینی می کند . و اما خبر : روزنا مه با مداد روز سه شنبه ۵۸/۶/۲۷ ضمن درج خبر مربوط به تسرور یکی از فتوادلها ای منطقه و سران عشا پرا رومیه بنام قلی بیگ ، گفتگوئی داشت با همرا هان زخمی وی که حالت توجه است :

همرا هان قلی بیگ به غیر نگار با مداد گفتند " قلی بیگ از جمله سران عشا بر منطقه بوده که اخیراً همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده و متمهد شده بود که جهت حفظ امنیت در منطقه خود میکوشد و ما به اتفاق جهت دریافت اسلحه از پاسدار مری به شهر آمده بودیم آری ، فتوادلها با " دریافت اسلحه از ژاندار مری " ، " متمهد " میشوند جهت حفظ امنیت در منطقه خود " بکوشند ! حال بگذار آقای بازگان به انکار آن برخیزند . دیوار حاشا بلند است .

**در بانک ملی ایران چه می گذرد؟**

از طرف دادستان کل انقلاب ممنوع الخروج اعلام شده بود ، فرار کرده است !!

جلیل شرکا\* مدیرکل بانک ملی ایران مدتی است که به انگلستان رفته است ، ظاهراً به عنوان ماموریت . اما واقعیت اینست که جناب مدیرکل انتصابی شاه مزدور که از " فقا " مورد امتداد دولت موقت خدا انقلابی نیز بود و به تازگی بجرم همکاری با یوسف خوش کیش ( مدیر کل اسبق بانک ملی و بانک مرکزی )

بعد از انتصاب آقای بازگان به نخست وزیری ، اینان یکی از خویشاوندان و دوستان نزدیک خود را بنام اسماعیل افجه - ای که عهده دار معاونت یکی از ادارات بانک ملی بود با حفظ سمت قبلی به ریاست دفتر نخست وزیری منصوب می کند . به این ترتیب بقیه در صفحه ۱۱

**پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر**